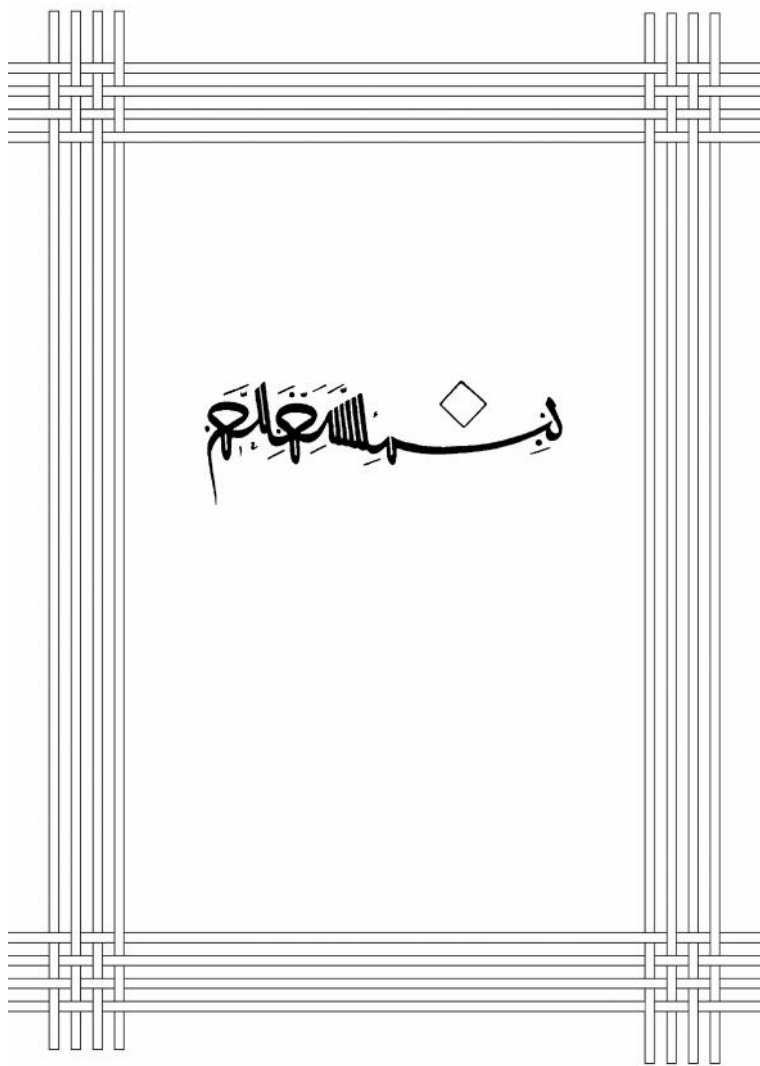


بازشناسی نهاد بازرسی در ایران در گذر زمان و تحول دوران

مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد



گزارش پژوهشی

سال ششم، شماره ۵۱، خرداد ۱۳۹۲

بازشناسی نهاد بازرسی در ایران در گذر زمان و تحول دوران

محقق:

دکتر احمد گل محمدی

مرکز مطالعات و پژوهشهای سلامت اداری و مبارزه با فساد

-
- مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.
 - کلیه حقوق مربوط به گزارش حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

اشاره

در تاریخ معاصر ایران، همراه با بازتعریف قدرت سیاسی و بازسازی نهاد دولت، نهاد بازرسی نیز همواره بازسازی و متحول شده است تا در تضمین حکومت قانون کارآمدتر شود. این نوشتار درواقع گزارش کوتاهی است از نزدیک به یک سده تحول نهاد بازرسی و ارزیابی این تحول؛ گزارشی که بر معتبرترین اسناد دولتی موجود و تجارب دست اول متولیان و کارشناسان خبره این نهاد استوار است. به بیان دیگر، در این گزارش می‌کوشیم به دو پرسش مهم پاسخ دهیم که تحول پایدار نهاد بازرسی از اواخر دوره قاجار تاکنون چگونه تحقق یافته و این تحول چه تأثیری در کارکرد این نهاد (یا تضمین حکومت قانون) داشته است. البته، بر اساس پاسخ به این دو پرسش، می‌کوشیم به پرسش سومی هم پاسخ دهیم که چگونه می‌توان بر اساس تجارب تاریخی بازشناسی شده، کارآمدی نهاد بازرسی را ارتقا داد و آن را در مبارزه با فساد تواناتر کرد.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

بازشناسی نهاد بازرسی در ایران در گذر زمان و تحول دوران

احمد گل محمدی

طرح مسئله

از آنجا که زندگی اجتماعی را گریزی از قدرت سیاسی نیست جوامع مختلف همواره کوشیده‌اند توانایی تخریب کننده و نابسامانی آفرین قدرت سیاسی را تا حد ممکن مهار و محدود کنند تا این پدیده حتی‌الامکان در خدمت بقا و ارتقای زندگی اجتماعی قرار گیرد. مجموعه تحولات مرتبط با این گونه تلاش‌ها را می‌توان فرایند نهادینه‌شدن قدرت سیاسی نامید. در چارچوب این فرایند، نهادی به نام دولت تأسیس می‌شود و قدرت سیاسی، به عنوان نوعی دارایی عمومی در اختیار آن قرار می‌گیرد تا برای هدفی عمومی یا تضمین بقا و ارتقای زندگی اجتماعی به کار گیرد.

برای عملیاتی کردن پایبندی دولت به استفاده از قدرت سیاسی در راه تأمین و تضمین بقا و ارتقای زندگی اجتماعی، مقرر می‌شود که هرگونه اعمال قدرت سیاسی مطابق مجموعه الگوهایی به نام قانون صورت گیرد تا امکان "استفاده اختصاصی" از آن دارایی عمومی از میان برود. بنابراین، نهادی تأسیس می‌شود تا ضامن پایبندی اعمال‌کنندگان قدرت سیاسی به قانون یا ضامن حکومت قانون باشد. این نهاد به اشکال مختلف و در سطوح مختلف واقعیت پیدا می‌کند که بازرسی دولتی از جمله نمودهای برجسته آن‌ها به شمار می‌آید.

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

در تاریخ معاصر ایران هم، به دنبال تحولات مرتبط با جنبش مشروطه خواهی و در پی شکل گیری نخستین مراحل تأسیس دولت مدرن، تأسیس سازمانی به نام "هیأت تفتیشیه مملکتی" نقطه آغاز شکل گیری نهاد مدرن بازرسی و نظارت بود. از آن تاریخ به بعد، این نهاد در قالب سازمان های مختلف و تحت عناوین مختلف به حیات خود ادامه داده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این بوده است که در طول نزدیک به ۸۰ سال، ساختار سازمانی نهاد بازرسی چگونه متحول شده است و این تحول چه تأثیری بر کارکرد این نهاد، یعنی تضمین حکومت قانون داشته است؟

با توجه به این که پرسش نامبرده تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است و چند مقاله مربوط به نهاد بازرسی هم بر داده های معتبر استوار نشده است، کوشیده ایم این پژوهش را بر داده های معتبر موجود و ممکن استوار کنیم. بخش عمده این داده ها از لایبای ۲۲۲۵ برگ سند دولتی معتبر (۲۰۶۷ سند متعلق به مرکز اسناد ریاست جمهوری و ۱۵۸ سند متعلق به سازمان اسناد ملی ایران) شناسایی و گردآوری شده است. داده های مربوط به دوره جمهوری اسلامی ایران هم از طریق مصاحبه با روسای سابق سازمان بازرسی کل کشور و برخی مدیران و بازرسان با سابقه سازمان فراهم شده است. داده های تکمیلی نیز از حدود ۱۸۰ مقاله چاپ شده در روزنامه ها و مجلات مختلف و حدود ۵۰ کتاب گردآمده است.

یافته ها

یافته های این پژوهش را می توان از سه دیدگاه بازشناسی کرد: سازمانی، کارکردی و آسیب شناسانه. به عبارتی، بر اساس این پژوهش می توان تصویری از حدود ۸۰ سال تحول سازمانی نهاد بازرسی و وضعیت کارکردی

نهاد بازرسی ترسیم کرد و بر اساس همین تصویر، به نوعی آسیب‌شناسی نهاد بازرسی دست یافت. در سطور پایین، نخست گزارشی از تحول سازمانی و وضعیت کارکردی نهاد بازرسی ترسیم خواهیم کرد و سپس در مقام آسیب-شناسی این نهاد برخورد خواهیم آمد.

تحول سازمانی و وضعیت کارکردی نهاد بازرسی

۱۳۰۸ تا ۱۳۲۰

از نیمه دوم نخستین دهه سده چهارده خورشیدی که بازسازی دولت و نوسازی دیوانسالاری در دستور کار قرار گرفت، نهاد بازرسی هم در قالب تأسیس "هیأت تفتیشیه مملکتی" در سال ۱۳۰۸ بازسازی شد. به تناسب افزایش کارویژه‌های دولت و گسترش دستگاه‌های متعلق به آن، سازمان نهاد بازرسی هم متحول شد و پس از حدود پنج سال، مجموعه مقرراتی با عنوان نظامنامه تفتیش کل مملکتی به تصویب رسید و "تفتیش کل مملکتی" جایگزین "هیأت تفتیشیه مملکتی" شد. ولی طولی نکشید که سازمان نهاد بازرسی دوباره اصلاح و به "دفتر بازرسی کل کشور" تبدیل شد.

البته این بازسازی و اصلاح ساختار با ارتقای کارکرد نهاد بازرسی همراه نبود. این نهاد در سال‌های نخست زندگی خود که با تأسیس "هیأت تفتیشیه مملکتی" در اواخر پاییز ۱۳۰۸ آغاز شد دارای برجسته‌ترین جایگاه ممکن بود و اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. تقریباً کل تشکیلات و عملکرد نهاد، از تعیین اعضا و مأموران گرفته تا موضوع‌ها و محل‌های بازرسی و رسیدگی به گزارش‌های بازرسان، زیر نظر مستقیم شاه و دست کم وزیر دربار بود. به نسبت چنین اهمیتی، کارایی نهاد بازرسی و نظارت نیز افزایش یافت.

به دنبال بازسازی این نهاد در قالب تبدیل "هیأت تفتیشیه مملکتی" به "تفتیش کل مملکتی" و "سپس دفتر کل بازرسی کشور" که با نوعی تعدیل و تمرکززدایی همراه بود، جایگاه نهاد بازرسی هم تنزل یافت و از یک نهاد تحت نظارت مستقیم شاه و وزیر دربار به یکی از دفاتر وزیر دادگستری تبدیل شد. چنین تحولاتی هر چند هویت مشخص و ثابتی به نهاد بازرسی داد، اهمیت آن را نسبتاً پایین آورد. این گونه تعدیل، تمرکز و تنزل با کاهش نسبی کارآمدی نهاد بازرسی و نظارت همراه شد و با گسترده‌تر شدن نهادهای دولتی، میزان تخلف و فساد رسمی هم افزایش یافت. بنابراین، نهاد بازرسی دچار نوعی اختلال کارکردی شد.

۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰

نخستین سال‌های زمامداری پهلوی دوم با افزایش بی‌سابقه انواع تخلفات و سوء استفاده‌ها همراه بود و توانایی نهاد بازرسی در تضمین حکومت قانون در پایین‌ترین سطح خود قرار داشت. بنابراین، اقدام برای حل این بحران یا دست کم جلوگیری از تشدید آن در دستور کار قرار گرفت که در نتیجه سازمانی به نام "بازرسی نخست وزیری" در اواخر دهه ۱۳۲۰ تأسیس شد. بدین ترتیب، ناکارآمدی نسبی بازرسی کل کشور و افزایش میزان سوء استفاده‌های مختلف از قدرت سیاسی باعث شد تا دستگاه بازرسی و نظارت جدیدی تأسیس شود و از ماه‌های پایانی دهه ۱۳۲۰، بخش عمده‌ای از امور مربوط به بازرسی و نظارت بر نحوه اعمال قدرت سیاسی را بر عهده بگیرد. هرچند تأسیس بازرسی نخست وزیری عملکرد و کارآیی نهاد بازرسی و نظارت را اندکی بهبود بخشید، مشکلات عمده‌ای همچنان باقی بود. مقررات به درستی اجرا نمی‌شد، "شکایات و نامه‌ها و گزارشات" معمولاً "معوق" و

"معطل" می‌ماندند و رابطه ادارات مختلف بازرسی نیز با ابهامات و مشکلاتی همراه بود. بنابراین، بازسازی بازرسی نخست‌وزیری در دستور کار قرار گرفت که در چارچوب آن سازمان "بازرسی نخست‌وزیری" به سازمان "بازرسی کل نخست‌وزیر" تغییر نام یافت تا با بازتعریف کارویژه‌های نظارتی نخست‌وزیر نه تنها ابهامات پیشین برطرف شود و چارچوبی برای کاهش ناهماهنگی‌های موجود و ممکن میان این دو دستگاه بازرسی (بازرسی نخست‌وزیر و بازرسی کل کشور) به وجود آید.

ولی به نظر می‌رسید این اقدام هم تأثیر چندانی در تعدیل اختلال کارکردی نهاد بازرسی نداشت. از آنجا که تصور می‌شد عامل مؤثر در تداوم این وضعیت نامناسب، ناهماهنگی سازمان‌های مختلف متولی بازرسی بود، دولت درصدد برآمد با توسل به نوعی تقویت کارویژه‌های بازرسی و نظارت نخست‌وزیری، از ناکارآمدتر شدن نهاد بازرسی و نظارت و گسترش فزاینده فساد سیاسی جلوگیری کند. این اصلاح و بازسازی در قالب تشکیل "هیأت عالی بازرسی" در اردیبهشت ۱۳۳۳ تحقق یافت که تحت نظر مستقیم نخست‌وزیر قرار داشت.

در حالی که بازرسی نخست‌وزیری در طول حیات چند ساله خود مورد بازسازی پی در پی قرار گرفته بود، ساختار و تشکیلات بازرسی کل کشور چندان تغییر نکرده بود. بنابراین، پس از حدود ۲۰ سال فعالیت، این سازمان اصلاح می‌شد تا با شرایط جدید انطباق بیشتری پیدا کند. برای انجام این مهم، اختیاراتی به اداره کل بازرسی کشور واگذار شد که در حکم نوعی ضمانت اجرای مؤثر به شمار می‌آمد. انتظار می‌رفت چنین تدابیری ضامن

مناسبی برای تأمین حسن جریان امور ادارات و دواير دولتي باشد و سوء استفاده از قدرت سياسي را تعديل کند.

گرچه بازسازی این دو سازمان متولي بازرسي کارکرد نهاد بازرسي را تا حدودی ارتقا داد، رقابت و کشمکش فزاینده میان آنها را تعديل نکرد. اسناد موجود حکایت از آن دارند که در بیشتر سال‌های دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، این دو سازمان همواره برای توجیه ضرورت و کارایی خود تلاش می‌کردند و می‌کوشیدند اهداف و علایق صنفی خود را در پوشش اهداف و علایق کلان‌تر توجیه کنند. در چنین شرایطی، از سال ۱۳۳۷ سازمان دیگری به نام "سازمان بازرسي شاهنشاهی" به صحنه آمد که هر چند به‌رغم نداشتن مجوز قانونی در امور بازرسي بسیار فعال بود و گزارش‌های آن اهمیت و اعتبار نسبتاً زیادی داشت، رقابت میان سازمان‌های بازرسي را شدیدتر و پیچیده‌تر کرد.

البته رقابت سازمان‌های بازرسي باعث ارتقای کارکردی نهاد بازرسي نبود. به‌رغم این که سه سازمان نسبتاً مستقل عهده‌دار بازرسي بودند، فساد سياسي و سوء استفاده از منابع، امکانات و اختیارات دولتي مهار نشده بود. گزارش‌های ارسالی بازرسان مخصوص نخست وزیر حکایت از آن داشت که، همراه با تشدید بحران اقتصادی و سياسي، تخلفات ادارات و بنگاه‌های دولتي نیز افزایش می‌یافت. در اواخر پاییز ۱۳۳۸، بحران ناشی از این گونه تخلفات چنان شدت گرفت که نخست وزیر وقت خواهان برقراری "نظم و انضباط در کلیه مؤسسات و سازمان‌های دولتي" و ریشه کن کردن "فساد و تبهکاری در کلیه شئون اداری کشور" شد و جایگاه بازرسي نخست وزيري چنان ارتقا یافت که برای اولین و البته آخرین بار، رئیس بازرسي نخست وزيري به کابینه راه پیدا کرد.

۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰

در اوایل دهه ۱۳۴۰ هر چند سه دستگاه اصلی متولی بازرسی و نظارت بودند، اما تلاش این دستگاه‌ها برای مهار فساد سیاسی روبه گسترش چندان موفقیت‌آمیز نبود. سازمان بازرسی شاهنشاهی که در ضعیف‌ترین موقعیت قرار داشت فعالیت‌های خود را به حداقل رسانده بود. تقویت و ارتقای بازرسی نخست‌وزیری هم تأثیر چشمگیری نداشت و حتی در زمینه مبارزه با گرانفروشی نیز ناتوان بود. وضعیت بازرسی کل کشور هم تفاوت چندانی نداشت و ناکارآمدی فزاینده آن باعث شد تا در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۲ موضوع آسیب‌شناسی دیگری در قالب "سمینار بازرسی کل کشور" قرار گیرد.

از تابستان ۱۳۴۲ و در پی افزایش درآمدهای نفتی دولت، مرحله دیگری از افزایش کارویژه‌های دولت و رشد بوروکراسی شکل گرفت. با افزایش کارویژه‌های دولت و گسترش بوروکراسی، فساد سیاسی اداری هم، به‌ویژه در زمینه هزینه‌های عمرانی بیشتر شد. به عبارتی، فقدان فضای باز سیاسی و نبود نهادهای نظارتی مدنی، به ویژه مطبوعات و رسانه‌های دیگر، بستر مناسبی برای انواع تخلفات فراهم می‌کرد که جلوگیری از آنها برای بازرسی کل کشور دشوار بود. بنابراین، ساختار تشکیلاتی این سازمان بار دیگر بازسازی و اصلاح شد تا کارکرد نهاد بازرسی ارتقا یابد.

به‌رغم این بازسازی، سیر نزولی پابندی به قانون متوقف نشد و تقریباً پنج سال پس از آسیب‌شناسی و اصلاح بازرسی کل کشور، در بهار سال ۱۳۴۷ "سازمان بازرسی شاهنشاهی" احیا شد تا کارویژه اصلی بازرسی کل کشور را عهده‌دار شود. به‌رغم همسانی‌های موجود میان این سازمان و دیگر

دستگاه‌های بازرسی، سازمان بازرسی شاهنشاهی تفاوت‌ها و تمایزات عمده-ای داشت و از این لحاظ مرحله مهمی در فرایند تحول نهاد بازرسی و نظارت در تاریخ معاصر ایران تلقی می‌شود. برخلاف اهداف اصلی تعریف شده برای دو دستگاه بازرسی موجود، یعنی نظارت بر حسن اجرای قانون و رسیدگی به شکایات از دستگاه‌ها و بنگاه‌های دولتی و عمومی، هدف از تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی "رسیدگی به شکایات مردم از کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی" بود. همچنین، برخلاف بازرسی نخست وزیری و بازرسی کل کشور، سازمان بازرسی شاهنشاهی زیر نظر شاه، عالی-ترین مقام رسمی کشور قرار داشت که قدرت و ضمانت اجرایی قابل توجهی به آن می‌داد.

تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی از این لحاظ هم تحول عمده‌ای بود که به فعالیت‌های موازی در زمینه بازرسی و نظارت پایان داد. پس از تشکیل این سازمان، رقابت‌ها، همپوشی‌ها و تداخلات پیشین ناشی از وجود دو و گاهی سه دستگاه موازی از بین رفت. بازرسی نخست وزیری که در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ به اوج قدرت و اهمیت رسیده بود در برابر سازمان بازرسی شاهنشاهی رنگ باخت. اداره کل بازرسی کشور هم فعالیت‌های خود را به رسیدگی به امور قضائی و اداری وزارت دادگستری "محدود کرد و" سایر وظایف "خود را به سازمان بازرسی شاهنشاهی واگذار کرد.

گرچه قانون تأسیس بازرسی شاهنشاهی در خرداد سال ۱۳۴۷ به تصویب رسید، فراهم کردن امکانات و شرایط لازم برای آغاز به کار این سازمان تقریباً تا اواخر سال ۱۳۴۸ به طول انجامید و نخستین هیأت‌های بازرسی از اواخر سال ۱۳۸۴ به مناطق مختلف اعزام شدند. بازرسان اعزامی به بررسی شکایات و گزارش‌های واصله می‌پرداختند و پس از پایان کار هیأت اعزامی

هم گزارش مفصلی در اختیار رئیس سازمان بازرسی قرار می‌دادند که چکیده‌ای از گزارش‌ها در اختیار شاه قرار می‌گرفت تا ضمن آگاهی از وضع موجود، در صورت لزوم و صلاح‌دید دستور یا پیشنهاد مقتضی بدهد.

۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷

سازمان بازرسی شاهنشاهی که با امکانات و اختیارات زیادی کار خود را آغاز کرده بود، در نخستین سال‌های حیات خود عملکرد نسبتاً موفق داشت و اعتبار چشمگیری در مبارزه با فساد به دست آورد. ولی گذشت زمان نشان می‌داد که این‌گونه اقدامات برای رسیدن به وضع مطلوب کافی و مناسب نیست. تشکیلات عریض و طویل سازمان بازرسی هرچند فعالیت‌های چشمگیری داشت، انجام امور به تدریج کندتر و شاخص فساد سیاسی بدتر می‌شد.

به ویژه از اوایل دهه ۱۳۵۰ که با افزایش سرسام آور طرح‌ها و هزینه عمرانی همراه بود، روند افزایش فساد سیاسی- اداری شتاب بی‌سابقه‌ای گرفت و انگیزه نیرومندی برای اتخاذ تدابیر مؤثرتر برای جلوگیری از بحران فساد سیاسی- اداری شکل گرفت. رشد بی‌سابقه درآمدهای نفتی و در نتیجه افزایش بسیار زیاد بودجه عمرانی که با زیرساخت‌های بوروکراتیک کشور چندان تناسب نداشت، بستر بسیار مناسبی برای انواع سوء استفاده‌ها فراهم کرد. بنابراین، فساد سیاسی- اداری چنان گسترش یافت که شاه هم نتوانست نگرانی خود نسبت به جلوگیری "اسراف و تبذیر" پنهان کند.

به دلیل این نگرانی از گسترش بی‌سابقه فساد، در آبان‌ماه سال ۱۳۵۴ شاه دستور داد "یک کمیسیون شاهنشاهی" برای برقراری "نظام صحیحی در

اجرای طرح‌های عمرانی "تشکیل دهد. ولی به نظر می‌رسید این تدبیر چندان کارساز نیست و پس از حدود دو ماه، شاه دوباره از مبارزه با فساد سخن گفت و از مسئولان خواست تا اقدامات عاجل و مؤثری در این زمینه انجام دهند که نتیجه آن تأسیس "هیأت عالی رسیدگی در اجرای قانون رسیدگی به اعمال خلاف حیثیت و شئون شغلی و اداری کارکنان دولت و شهرداری-ها" بود.

بدین ترتیب، مانند دوره‌های پیشین، ناکارآمدی یک دستگاه بازرسی و نظارت بار دیگر باعث شکل‌گیری دستگاه‌های موازی شد که نوعی همپوشی و تداخل در این امور به وجود آورد. سازمان بازرسی شاهنشاهی، به‌رغم امکانات، اختیارات و انحصار بی‌سابقه در زمینه بازرسی و نظارت و با داشتن موفقیت‌های قابل توجه، به تدریج ضعیف‌تر و ناکارآمدتر شد؛ فرایندی که با افزایش فساد در دستگاه‌ها و بنگاه‌های دولتی و عمومی همراه بود. ولی این بار هم گسترش نهاد بازرسی و نظارت کارساز نشد و برنامه "مبارزه با فساد" نیز عمدتاً به رفتارهای تبلیغی و "دستمایه عده ای ماجراجو و سودجوی" برای تصفیه "حساب خرده و خصوصی" درآمد.

در شرایطی که تکمیل و ترمیم نهاد بازرسی و نظارت از طریق حجیم‌تر کردن دستگاه‌های مربوطه و تعریف وظایف و مسئولیت‌های موازی گاهی از کار فرو بسته بوروکراسی را باز نمی‌کرد و مبارزه با فساد سیاسی-اداری هم به بیراهه می‌رفت، شاه به مفهوم انقلاب اداری متوسل شد و در خرداد ماه ۱۳۵۶، از سازمان بازرسی شاهنشاهی خواست تا در امر بازرسی و نظارت تلاش بیشتری بکند تا "متصدیان و مسئولان از انجام وظایفی که در قبال مراجعان برعهده دارند" سربازنزنند و "در سراسر کشور بطور مستمر ولی غیرمترقبه بازرسی بعمل آورد."

این بار هم فرمان شاهی، بدون این که کارآمدی دستگاه بازرسی و نظارت را بیشتر کند، صرفاً به حجیم‌تر شدن این دستگاه و تداخل در امر بازرسی و نظارت منجر شد. در پی صدور فرمان، "به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی" دستور داده شد که "یک واحد رسیدگی به شکایات از میان کارمندان موجود" تشکیل دهند. بدین ترتیب همه دستگاه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده دولت و دیوانسالاری موظف شدند "در اسرع وقت نسبت به تشکیل واحدهای رسیدگی به شکایات" و "احقاق حق شاکی" اقدام کنند. ولی واحدهای رسیدگی به شکایات نه تنها بی‌اثر بلکه کم دوام هم بودند. این واحدها نه توان مهار فساد سیاسی-اداری را داشتند و نه فرصتی برای این کار پیدا کردند. تقریباً یک سال و نیم پس از صدور فرمان شاهی مبنی بر پابندی به الزامات انقلاب اداری در زمینه بازرسی و نظارت، خیزش انقلابی چنان نیرو و شتابی گرفت که اعتبار نهادهای وابسته به سلطنت به سرعت زیر سؤال رفت که سازمان بازرسی شاهنشاهی از آن جمله بود. بنابراین در ۷ آذر سال ۱۳۵۷، نخست وزیر وقت انحلال آن سازمان و تأسیس سازمان بازرسی کل کشور را از مجلس سنا خواستار شد.

۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

چند سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را می‌توان مقطع انتقال و بازسازی میراث شاهنشاهی نهاد بازرسی دانست که تقریباً بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، با تصویب قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور در ۵۷/۱۲/۷ آغاز شد. حدود پنج ماه پس از تصویب این لایحه در شورای انقلاب، هیأت وزیران هم در جلسه ۱۳۵۸/۵/۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی کل کشور را تصویب

کرد. این لایحه و آئین نامه مرتبط با آن ویژگی‌هایی را به نهاد بازرسی و نظارت می‌داد که شأن قضایی برجسته و ضمانت اجرایی مؤثر از آن جمله ویژگی‌ها بود. چنین ویژگی‌هایی که در تاریخ سی ساله سازمان بازرسی کل کشور بی سابقه بوده است باعث شد تا به‌رغم بحران‌های ناشی از تحولات سیاسی کشور، این سازمان در انجام کارویژه خود نسبتاً موفق باشد.

چند ماه بعد، متن نهایی قانون اساسی، در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب رسید تا شأن و جایگاه نهاد بازرسی به شکل بی سابقه‌ای ارتقا پیدا کند. برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران، نهاد بازرسی و سازمان مرتبط با آن جایگاه مشخصی در قانون اساسی پیدا کرد و اصل ۱۷۴ این قانون را به خود اختصاص داد. تقریباً دو سال پس از تصویب قانون اساسی هم، در ۱۹ مهر ۱۳۶۰، "قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور" به تصویب رسید. هرچند ضمانت اجرای تعریف شده در قانون سازمان بازرسی ضعیف‌تر از قانون مصوبه سال ۱۳۵۸ بود، اختیارات قابل توجهی به سازمان بازرسی و بازرسان می‌داد. به هر حال با تصویب این قانون، به نظر می‌رسید که در اواخر سال ۱۳۶۰، مرحله انتقال میراث نهاد بازرسی به پایان رسیده است و این نهاد می‌تواند در قالب سازمان بازرسی کل کشور، زیر نظر شورای عالی قضائی و سپس رئیس قوه قضائیه به فعالیت خود ادامه دهد.

۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰

با آغاز دهه شصت، تشکیلات جدید سازمان بازرسی کل کشور هم کار خود را با امکانات و تشکیلات نسبتاً اندک و ساده آغاز کرد. برخلاف سازمان بازرسی شاهنشاهی که محدودیتی برای کسب و استفاده از منابع و امکانات نداشت، محدودیت‌های سازمان بازرسی کل کشور بسیار زیاد بود. به واسطه بحران‌ها و

تنگناهای ناشی از حوادثی همچون جنگ، این سازمان ناچار بود با حداقل منابع و امکانات انجام وظیفه کند. همین محدودیت باعث شده بود که ساختار تشکیلاتی سازمان هم ساده و محدود تعریف شود. شیوه بازرسی نیز به نوعی با سادگی تشکیلاتی و محدودیت منابع تناسب داشت و به صورت متمرکز و هیأتی انجام می شد.

اگر چه مأموریت های بازرسی بدون مشکل و تنش نبود، اما فعالیت سازمان بازرسی در زمینه رسیدگی به شکایات مشکلات و تنش های بیشتری داشت. شور انقلابی، بدبینی و بی اعتمادی نسبت به اکثر وجوه نظم از پیش موجود، بستر ساز رفتارها و تصمیم گیری هایی شد که برخی افراد متأثر از آن رفتارها و تصمیم ها، قانونی و عادلانه بودن آن را نمی پذیرفتند. البته، به قول رئیس وقت سازمان، وجه غالب چنین اقدامات و تصمیم ها به "بخش انقلابی دستگاه قضایی، یعنی دادگاه- های انقلاب و دادسراهای انقلاب" مربوط می شد.

به طور کلی، در چنین شرایطی که منطق سیاست، اغلب بر منطق قضاوت می- چربید، سه نوع برخورد کلی با نظرات و پیشنهادهای سازمان بازرسی صورت می- گرفت. در بیشتر موارد، نظرات و پیشنهادهای سازمان مبنی بر این که تخلفی صورت گرفته و باید جبران شود پذیرفته می شد. در مواردی، نظرات و پیشنهادهای سازمان به شکل تعدیل شده مورد پذیرش قرار می گرفت. در مواردی هم هیچ گونه تمکین و پذیرشی در کار نبود.

رویارویی سازمان بازرسی کل کشور با برخی نهادها و دستگاهها در واقع بازتابی از دو گرایش در سطح گسترده تر بود. یک گرایش این بود که تأسیس نظم جدید هم باید تابع قواعد و مقررات بنیادی تری باشد. ولی گرایش مقابل صرفاً در اندیشه از بین بردن نظم موجود بود.

به همین دلیل طولی نگذشت که موضع‌گیری‌هایی علیه سازمان بازرسی شکل گرفت که بخشی از واکنش‌ها به صورت مقاومت در برابر بازرسی‌ها هم نمود پیدا می‌کرد. هرچند مسئولیت نظارتی سازمان فراگیر بود و نهادهای انقلابی را هم دربرمی‌گرفت، این گونه نهادها معمولاً به آسانی تن به بازرسی و نظارت نمی‌دادند، و معمولاً صلاحیت سازمان بازرسی برای انجام چنین کارهایی را به طریقی، از جمله امنیتی بودن حوزه مورد نظر، زیر سؤال می‌بردند. البته به‌رغم وجود این گونه مقاومت‌ها و موضع‌گیری‌ها، سازمان بازرسی کارنامه نسبتاً موفقیت داشت. این موفقیت نسبی، علاوه بر بهره‌مندی از کارشناسان متخصص، ساختار تشکیلاتی ساده و متمرکز و چارچوب قانونی مناسب، از پشتیبانی شورایی قضایی و بنیانگذار انقلاب اسلامی هم ناشی می‌شد.

در اواخر دهه شصت، دو رویداد مهم یعنی رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی و انحلال شورای عالی قضایی، تحول سازمان بازرسی کل کشور در دهه بعد را تحت تأثیر قرار داد. در شرایطی که امام خمینی (ره) در قید حیات نبود و دستگاه قضایی هم ماهیت شورایی خود را از دست داده بود، مرحله‌ای از مقابله با استقلال عمل سازمان بازرسی، محدود کردن گستره صلاحیت، به ویژه صلاحیت قضایی، آن و تعدیل ضمانت اجرای مرتبط با بازرسی آغاز شد. کم‌کم به نظر می‌رسید که دستگاه قضا و رئیس قوه قضائیه استقلال عمل و استقلال رأی سازمان را برنمی‌تابد. بنابراین به تدریج تنش‌ها و اختلافاتی میان رئیس قوه قضائیه و رئیس وقت سازمان بازرسی پدید آمد.

۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰

برخلاف دهه شصت که نوعی گفتمان انقباضی و ریاضتی را مسلط کرده بود، دهه هفتاد با گفتمان سازندگی و توسعه ویژگی می‌یافت. این دگرگونی محصول

رویدادها و دگرگونی‌های دیگر بود که پایان جنگ تحمیلی را می‌توان مهمترین آن‌ها به شمار آورد. با پایان جنگ، هزینه‌های دولت در مقایسه با درآمدهای آن بسیار پایین آمد و به همین دلیل دولت می‌توانست منابع بیشتری در اختیار دستگاه‌های خود قرار دهد و هزینه‌های توسعه بوروکراسی را بیش از پیش تأمین کند. پس سازمان بازرسی کل کشور هم می‌توانست هزینه‌های لازم برای توسعه خود را بسیار آسان‌تر از گذشته تأمین کند.

بدین ترتیب با فراهم شدن شرایط ساختاری و کارگزاری مناسب برای توسعه و گسترش سازمان بازرسی کل کشور، از اوایل دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد، این سازمان چنان توسعه و تحول تشکیلاتی را تجربه کرد که به راحتی می‌توان آن را دهه توسعه سازمان بازرسی نامید.

این گسترش و تحول به واسطه رشد بودجه سازمان بازرسی امکان‌پذیر شد. از اوایل دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد، بودجه جاری سازمان از ۶/۱ میلیارد ریال به ۵۶ میلیارد ریال رسید و بودجه عمرانی هم تقریباً سی برابر شد. افزایش بودجه سازمان بازرسی در دهه هفتاد، توسعه و گسترش بی‌سابقه این سازمان را امکان‌پذیر کرد. این سازمان توانست منابع انسانی خود را توسعه دهد تا در طول حدود یک دهه، شاخص نیروی انسانی آن ۱۵۰ درصد رشد یابد. همزمان با افزایش نیروی انسانی، "فضای اداری" سازمان هم گسترش و افزایش پیدا کرد.

البته "توسعه منابع انسانی" و "گسترش فضای اداری" سازمان بازرسی با اصلاح و گسترش ساختار و تشکیلات همراه بود که "ارتقای سطح گروه‌های بازرسی به اداره کل"، "تقویت واحدهای ستادی"، "ایجاد دفتر بازرسی استان تهران" و "ایجاد واحدی به منظور هماهنگ نمودن فعالیت‌های نظارتی سازمان" از مصادیق آن بود. همزمان با این اصلاح و گسترش ساختار و تشکیلات، نوعی تمرکززدایی

هم در دستور کار قرار گرفت و شمار ادارات کل بازرسی استان‌ها بی‌وقفه افزایش یافت. البته به تناسب توسعه منابع و امکانات سازمان و ساختار و تشکیلات آن، تعداد بازرسی‌ها هم افزایش پیدا کرد.

البته دهه هفتاد فقط دهه تغییر و گسترش کمی سازمان بازرسی نبود و نوعی تغییر کیفی هم در این مقطع شکل گرفت. به عبارتی، در عین حال که ابزارها و امکانات لازم برای بازرسی، از ساختمان گرفته تا نیروی انسانی، بیشتر شد، برای بالا بردن دقت و اعتبار بازرسی هم اقداماتی صورت گرفت. به عبارتی، در عین حال که روش‌ها و الگوهای موجود و رایج بازرسی اصلاح شد، تدابیر جدیدی هم اتخاذ شد تا دقت و اعتبار و گستره بازرسی‌ها افزایش یابد. از جمله این تدابیر می‌توان به ایجاد "کمیسیون تطبیق مصوبات" و تأسیس "دفتر تنقیح و بررسی گزارشات" اشاره کرد.

تحول دیگر سازمان بازرسی در دهه هفتاد گسترش حوزه و قلمرو بازرسی بود که البته با تنش‌ها، مقاومت‌ها و مخالفت‌های عمده‌ای همراه بود. در این دهه، مقاومت‌ها و مخالفت‌ها، از جمله در وزارت خارجه، وزارت دفاع و نیروی انتظامی، تا حدود زیادی تعدیل شد و سازمان بازرسی توانست این حوزه‌ها را هم به نوعی بازرسی کند. به این ترتیب گرچه سازمان بازرسی نتوانست همه حوزه‌های مقاوم را بگشاید، موفقیت چشمگیری در این زمینه به دست آورد و قلمرو بازرسی خود را به میزان زیادی گسترش داد.

کوتاه سخن این که از اوایل دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد، سازمان بازرسی کل کشور نوعی توسعه و گسترش قابل توجهی را تجربه کرد. در چارچوب این توسعه و به واسطه افزایش بودجه سازمان بازرسی، منابع انسانی افزایش یافت، فضای اداری گسترش پیدا کرد، ساختار و تشکیلات گسترده‌تر شد، دقت و اعتبار

بازرسی‌ها ارتقا یافت و قلمرو بازرسی هم، با غلبه بر مقاومت برخی حوزه‌ها، فراگیرتر شد.

ولی در این مقطع هرچند شاهد رشد بی‌سابقه شاخص‌های مختلف سازمان بازرسی کل کشور هستیم، برخی شاخص‌ها رشد چندانی نداشتند یا حتی دچار افت نسبی شدند. این شاخص‌ها عمدتاً با شأن و ماهیت قضایی سازمان بازرسی مرتبط بودند که به موازات شاخص‌های غیرقضایی سازمان رشد نکردند. به عبارتی، سازمان بازرسی نوعی تعدیل شأن قضایی را تجربه کرد که نمودها و مصادیق مختلفی داشت. ترکیب هیأت‌های بازرسی به گونه‌ای تغییر یافت تا وجه کارشناسی آن هیأت‌ها پررنگ‌تر از وجه قضایی آن‌ها شود. چنین تحولی حتی در جذب نیروی انسانی نیز به نوعی بازتاب پیدا کرد، به این معنا که کارشناسان و مدیرانی به سازمان بازرسی راه پیدا کردند که از تجربه و تخصص قضایی-حقوقی متناسب چندان برخوردار نبودند.

کاهش اختیارات قضایی بازرسان و هیأت‌های بازرس مصداق دیگر تعدیل شأن قضایی سازمان بود که هم شکل قانونی به خود گرفت و هم در عمل نمود پیدا کرد. در این چارچوب، نه تنها شرط قاضی بودن رئیس هیأت بازرسی حذف شد، شرایط واگذاری و اعمال اختیارات قضایی هم محدودتر شد تا وجه کارشناسی بازرسان و هیأت‌های بازرسی برجسته‌تر و پررنگ‌تر شود. نمود دیگر تعدیل شأن قضایی سازمان محدود شدن فزاینده سازمان در بازرسی خود دستگاه قضایی بود. از اوایل دهه هفتاد شرایط بازرسی دستگاه قضایی سخت‌تر و گستره آن محدودتر شد.

شکل دیگری از تعدیل شأن قضایی سازمان بازرسی در ارتباط با تعریف مفهوم بازرسی و نسبت بازرسی و نظارت نمود پیدا می‌کرد. به نظر می‌رسد در دهه هفتاد

این دیدگاه رسمیت و رواج پیدا کرد که بازرسی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین پیوندی با قضاوت ندارد و سازمان بازرسی باید صرفاً به بازرسی و نظارت بسنده کند که امر کارشناسی است نه قضایی. تفکیک بازرسی و نظارت هم به نوعی با تعدیل شأن قضایی سازمان بازرسی ارتباط داشت. بر اساس این تفکیک، سازمان بازرسی صرفاً شأن نظارتی پیدا می کرد. به بیان دیگر، بازرسی و نظارت به گونه ای بازتعریف می شد که از مولفه های قضایی کاملاً تهی شود. البته در دوره مورد بررسی تلاش هایی هم در راستای ارتقای شان قضایی سازمان صورت گرفت که چندان موفقیت آمیز نبود.

تعدیل شأن قضایی سازمان بازرسی ارتباط مستقیمی با کارکرد نهادی آن داشت. از اوایل دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد، هرچند شاخص های مختلف سازمان بازرسی رشد چشمگیری داشته است، این رشد با ارتقای کارکردی سازمان بازرسی همراه نبوده است. در این مقطع به رغم افزایش نیروی انسانی، گسترش تشکیلات بازرسی، افزایش شمار بازرسی ها، افزایش دقت و اعتبار بازرسی ها، و حتی گسترش نسبی حوزه های بازرسی، میزان موفقیت سازمان در جلوگیری از ناپابندی به قانون افزایش متناسبی نداشت. چنین عدم تناسبی عمدتاً از این واقعیت ناشی می شد که به گزارش های بازرسی چندان ترتیب اثر داده نمی شد.

از اوایل دهه هفتاد، میزان به نتیجه رسیدن گزارش های ارسالی سازمان بازرسی به دستگاه قضایی بیش از پیش کاهش و اختلال در روند اجرای پیشنهادها به میزان زیادی افزایش می یافت. به عبارتی، میزان "اثرگذاری" کمتر می شد و درصد کمتری از گزارش های سازمان "در مراجع قضایی" "به نتیجه می رسید". همین اختلال فزاینده، باعث تحول دیگری در سازمان بازرسی شد که می توان با عنوان ارتقای سازوکار پیگیری از آن یاد کرد. در شرایطی که شکاف میان بازرسی میزان پابندی به قانون، و قضاوت و مجازات ناپابندی به قانون افزایش می یافت

سازمان بازرسی تلاش کرد با اتخاذ تدابیر مناسب، امکان اختلال در قالب اهمال کاری و کم توجهی به پیشنهادهای سازمان بازرسی را کاهش دهد.

سال های میانی دهه ۸۰

این مقطع کوتاه تاریخ تحول نهاد بازرسی در قالب سازمان بازرسی را می توان حول دو محور بازسازی کرد. محور اول را می توان تداوم توسعه و گسترش سازمان بازرسی دانست، به این معنا که در این دوره پنج ساله هم شاخص های مختلف سازمان بازرسی رشد کرد و سیاست ها و برنامه های تعیین و تعریف شده قبلی ادامه یافت و تکمیل شد. محور دوم تحول سازمان بازرسی به شأن کارکردی این سازمان مربوط می شود. در این محدوده زمانی هم، به رغم رشد سازمانی سازمان بازرسی، میزان موفقیت این سازمان در ارتقای پایداری اعمال کنندگان قدرت سیاسی به قانون کاهش نگران کننده ای داشت.

هرچند از اوایل دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد، نیروی انسانی در خدمت سازمان بازرسی به میزان بی سابقه ای افزایش یافت و چندین برابر شد، در سال های میانی دهه هشتاد، روند جذب نیروی انسانی هرچند کندتر اما متوقف نشد. همزمان با افزایش نیروی انسانی، سازمان بازرسی از "گسترش فضای اداری و توسعه کمی ادارات" هم غافل نبود. بنابراین در همان مقطع که سازمان بازرسی حدود ۲۲ درصد رشد نیروی انسانی را تجربه کرد، شاهد گسترش تقریباً ۲۵ درصدی فضای اداری خود هم بود. البته شرط لازم چنین رشد و گسترش، افزایش بودجه سازمان بود که در این مساله نیز تحقق نسبی یافت. در کنار افزایش نیروی انسانی و گسترش فضای اداری، بازسازی و توسعه تشکیلاتی سازمان بازرسی هم در دستور

کار بود و در قالب این فرایند، هم تشکیلات ستادی سازمان گسترش پیدا کرد و هم تشکیلات استانی.

مصادق دیگر تداوم روند تحولات سازمان بازرسی، تلاش برای گسترش قلمرو بازرسی سازمان بازرسی بود. این گونه قلمروها که بازرسی و نظارت را چندان بر نمی تابیدند عمدتاً به سازمان ها و تشکیلاتی تعلق داشت که متولی امور نظامی، امنیتی و انتظامی بودند. سازمان بازرسی کل کشور که همواره در بازرسی این-گونه سازمان ها و تشکیلات با مشکلاتی مواجه بود در این مقطع هم نمی توانست وظیفه قانونی خود را به آسانی انجام دهد. به همین دلیل، در اواسط دهه هشتاد هم اقداماتی برای گشودن راه بازرسان به این حوزه ها صورت می گرفت که با پیچیدگی های خاص خود همراه بود.

البته به رغم تداوم رشد و گسترش شاخص های مختلف سازمان بازرسی در سال-های میانی دهه هشتاد، نه تنها وضعیت کارکردی سازمان بهبود نیافت بلکه اختلال کارکردی آن بیش از پیش افزایش یافت. در این مقطع، مانند دهه هفتاد، نیروی انسانی در اختیار سازمان بازرسی افزایش پیدا کرد، تشکیلات آن گسترده تر شد، فضای اداری سازمان توسعه پیدا کرد و تدابیر دیگری هم اتخاذ شد تا این سازمان بتواند با دقت و سرعت بیشتری عملکرد اعمال کنندگان قدرت اجرایی را مورد بازرسی قرار دهد و ناظر میزان پایبندی به قانون باشد.

هرچند شاخص ناپایبندی به قانون در دهه هفتاد هم رشد محسوسی داشت، از اواسط دهه هشتاد شیب این افزایش بسیار تندتر شد. در این مقطع، بحران حکومت قانون چنان برجسته و جدی شد که حتی مقامات رسمی دولت هم دیگر نمی توانستند نگرانی خود را پنهان کنند. بنابراین، انتقاد از قانون گریزی و قانون شکنی از مرزهای خصوصی و غیررسمی فراتر رفت و به مواضع رسمی مقامات عالی رتبه، از جمله رئیس سازمان بازرسی کل کشور، راه پیدا کرد. در این

گفتارها، از وجود "مشکل" در "اجرای قانون در دستگاه های دولتی و اداری"، نبود "تقید ویژه در اجرای قانون"، بیشتر از حد متعارف بودن "بی انضباطی و میزان عدم تقید به اجرای قانون"، تبدیل شدن "بی انضباطی" به "فرهنگ غالب" و تبدیل "ضابطه شکنی" به "عرف" سخن به میان آمده است.

اختلال کارکردی سازمان بازرسی در اوایل دهه هشتاد باعث شد تا بار دیگر نیاز به انجام نوعی آسیب شناسی در دستور کار قرار بگیرد. در نتیجه، این تصور شکل و قوت گرفت که توسعه منابع و امکانات بازرسی و افزایش دقت و سرعت آن به شرطی می تواند ضامن حکومت قانون باشد که با ضمانت اجرای مناسب همراه شود. بنابراین، قانون تشکیل سازمان بازرسی دگرباره اصلاح شد تا در چارچوب آن بتوان ضمانتی برای قطعیت پرداخت هزینه عدم قانون گرایی اعمال کنندگان قدرت دست و پا کرد. به عبارتی، در واقع سازمان بازرسی می کوشید شأن قضایی خود را ارتقا دهد و تعدیل اختلال آفرین دهه هفتاد را جبران کند.

وجه دیگر آسیب شناسی بازرسی در سال های میانی دهه هشتاد به پدیده موازی کاری سازمان ها و دستگاه های نظارتی مربوط می شد. هرچند موازی کاری سابقه طولانی تری داشت، از اوایل دهه هشتاد حدت و شدت بیشتری گرفت و تأثیر اختلال آفرین آن افزایش نگران کننده ای یافت. بنابراین، پس از یک رشته تلاش های ناموفق، سرانجام در نیمه دوم سال ۱۳۸۷، تلاش سازمان بازرسی برای تشکیل "شورای دستگاه های نظارتی" به ثمر نشست تا، به قول رئیس سازمان بازرسی، "جلوی نظارت های آزاردهنده و موازی" گرفته شود و "نظارت ها با هماهنگی و نظم بیشتری انجام شود".

البته دغدغه های آسیب شناسانه سازمان بازرسی در اواسط دهه هشتاد از مقابله با مشکلات ناشی از ناهماهنگی دستگاه های مختلف نظارتی بسیار فراتر می رفت.

این سازمان می‌خواست "نظام نظارت و بازرسی" را چنان تقویت کند که در سال ۱۴۰۴، ایران بتواند "از لحاظ شاخص‌های کنترل فساد، ارتقای سلامت اداری و حاکمیت قانون"، "جایگاه اول منطقه" را در اختیار داشته باشد.

اواخر دهه ۸۰ تا اوایل دهه ۹۰

گرچه در سال‌های میانی دهه ۸۰ اقدامات زیادی برای بازسازی و اصلاح سازمان بازرسی صورت گرفت و شاخص‌های مختلف توسعه سازمانی رشد چشمگیری داشت، تداوم افزایش نگران‌کننده ناپایبندی اعمال‌کنندگان قدرت سیاسی به قانون در میانه نیمه دوم دهه ۸۰، رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور را بر آن داشت تا در کنار آن گونه اقدامات، افق‌های نسبتاً جدید و متفاوتی را هم برای ارتقای کارکردی سازمان بازرسی تعریف و ترسیم کند. تلاش برای ارتقای کارکردی سازمان در این مقطع گرچه مصادیق مختلف داشت و به اشکال متعددی نمود پیدا کرد، می‌توان مجموعه آن‌ها را در چندین دسته جای داد.

یکی از این گونه اقدامات افزایش سطح برنامه‌ریزی بود که از جمله به صورت «تدوین چشم‌انداز بیست ساله سازمان بازرسی در افق ۱۴۰۴» نمود یافت. با این کار، سازمان بازرسی می‌خواست «سهم و نقش خود را در تحقق چشم‌انداز ایفا [کند]» و بکوشد بستری فراهم کند که «در افق ۱۴۰۴ ه.ش»، [ایران] به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل تبدیل گردد». هدف آن بود که «در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی» سازمان بازرسی کل کشور سازمانی باشد «مورد اعتماد و اتکای مردم و مسئولین به عنوان دستگاه کارا و اثربخش، ضد فساد، حافظ حقوق شهروندی و ضامن تحقق برنامه‌ها و قوانین دستگاه‌های اداری کشور در ایرانی

توسعه یافته با جایگاه اول منطقه از لحاظ شاخص های کنترل فساد، ارتقای سلامت اداری و حاکمیت قانون». (گزارش عملکرد دهساله، ص ۱۵)

تمرکز بر نظارت و پیشگیری را می توان دومین تحول سازمان بازرسی در مقطع مورد بررسی دانست. در این مقطع، نوع نگاه آسیب شناسانه مسلط، سازمان بازرسی را بیش از پیش به این باور رهنمون شد که ویژگی های ساختاری نظام سیاسی ایران نظارت بازرسی محور را چندان برنمی تابد و نظارت بر "اجرای صحیح قانون" از طریق بازرسی قضایی در عمل کارایی چندانی ندارد زیرا تجربه نشان می داد که دقیق ترین و معتبرترین بازرسی ها هم در افزایش میزان پایبندی به قانون یا دست کم جلوگیری از کاهش آن مؤثر نیست. بنابراین تمرکز بر "حسن جریان امور" در دستور کار سازمان بازرسی قرار گرفت.

از جمله مصادیق تمرکز بر "حسن جریان امور" و اتخاذ رهیافت غیرقضایی سازمان بازرسی چیزی است که معمولاً گرایش به "تعامل با دستگاه ها به جای مچ گیری" نامیده می شود. هرچند برخی صاحب نظران و بازرسان ارشد سازمان بازرسی، چنین بازتعریفی از هدف و کارویژه بازرسی را موجه نمی دانند از اواسط دهه ۷۰ این "تعامل گرایی" کم کم رواج یافت و در نیمه دوم دهه ۸۰ بیش از پیش برجسته شد. این گرایش که به نوعی در دیدگاه های مسئولان عالیرتبه نظام جمهوری اسلامی ایران ریشه داشته است بر حاکم کردن منطق "تعامل" به جای "تقابل" استوار بود. به بیان دیگر، در چارچوب این گرایش، سیاست به جای قضاوت می نشیند و توصیه و پیشنهاد جانشین حکم و رای قضایی می شود. هدف از "تعامل" مبتنی بر سیاست توصیه محور و پیشنهاد محور این است که "پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم" شود. بنابراین، می بایست "نقاط آسیب پذیر" و جرم خیز

موجود در کل دستگاه‌های دولت شناسایی و راهکارهایی برای پیشگیری بازشناسی می‌شد.

مصادق دیگر گرایش به تعامل، نظارت و پیشگیری، تلاش برای توسعه "ظرفیت خودکنترلی" دستگاه‌های دولتی بوده است. در واقع هدف از این اقدام "استفاده از ظرفیت‌های نظارتی خود دستگاه‌ها" یا "تقویت خودکنترلی درون دستگاهی و ایجاد مشارکت در ارتقای سطح نظارت و تسريع در اصلاح امور دستگاه‌های اداری کشور" بود. به این ترتیب، سازمان بازرسی کوشیده است در کنار آگاه کردن دستگاه‌ها از وضعیت خود و ارائه توصیه‌ها و پیشنهادات کارشناسانه به آن‌ها برای ارتقای میزان پایداری آن دستگاه‌ها به قانون، تدابیری اتخاذ کند که آن‌ها بتوانند خود بر عملکرد خود نظارت کنند و سازمان بازرسی هم بر نحوه نظارت آنها نظارت کند.

تلاش برای ارتقای کارشناسی و تخصص سومین تحول سازمان بازرسی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ به شمار می‌آید. هرچند اقدامات و تحولات مرتبط با این فرایند را می‌توان دست کم در حیات دو دهه اخیر سازمان بازرسی بازشناسی کرد، از نیمه دوم دهه ۸۰ این گونه اقدامات و تحولات برجسته‌تر و پرشتاب‌تر شد. در این مقطع زمانی، تلاش شد نقش و سهم کارشناسان و متخصصان در امور مرتبط با بازرسی و نظارت بیشتر شود و نگاه علمی به این پدیده و پدیده‌های مرتبط افزایش یابد.

برای افزایش نقش و سهم کارشناسان و متخصصان تدابیر مختلفی، از جمله استخدام نیروهای متخصص، آموزش کارکنان در سطوح مختلف و حتی بسترسازی برای تاسیس رشته‌های تخصصی، اتخاذ شد. در زمینه "استخدام متخصصین در امر نظارت و بازرسی"، "شاخص‌های علمی" متناسب تعیین و "دستورالعمل" مناسب هم تهیه شد. همچنین "افزایش میزان بودجه سازمان و

ارتقاء نحوه مدیریت آن به منظور نگهداشت کارشناسان و نیروهای تخصصی" در دستور کار قرار گرفت. اقدام دیگر در این ارتباط، "جذب نیروهای نخبه با مدارک تحصیلی بالا از دانشگاه های معتبر کشور" بود.

در کنار به خدمت گرفتن نیروهای متخصص، سازمان بازرسی همچنین کوشید تا علم و تخصص نیروهای در اختیار خود را نیز ارتقا بخشد. برای "افزایش توان و مهارت کارکنان"، سازمان بازرسی برنامه های آموزشی مختلفی تدارک دیده است که به صورت "برگزاری دوره های تخصصی و عمومی" در قالب آموزش حضوری و غیرحضوری "تحقق می یابد. البته این آموزش برای مستخدمان سطوح مختلف، شامل "مدیران، کارشناسان و کارکنان" ترتیب داده می شود تا "ابتکار، ابداع، ارتقای آگاهی و دانش افزایی آنان به نوعی رفتار همگانی مبدل شود".

در کنار ارتقای سطح آگاهی، تخصص و توانایی های کارکنان سازمان بازرسی از طریق استخدام نیروهای متخصص و آموزش نیروهای موجود، نهادینه کردن نگاه علمی به بازرسی و نظارت هم در دستور کار سازمان بازرسی بوده است. برای انجام این مهم یا همان "تقویت ابعاد علمی و پژوهشی سازمان"، دستورالعملی با عنوان "طرح ساماندهی انجام امور پژوهشی" تدوین و تصویب شده است تا "نیازهای پژوهشی" را "استخراج"، "پردازش" و "اجرا" کند. افزون بر این، "با بیش از ۶۰ مرکز علمی و دانشگاهی و پژوهشی ارتباط برقرار شد تا "در حوزه های مرتبط با نظارت و بازرسی و موضوعات پژوهشی مرتبط" تحقیق کنند. همچنین برای انتقال تجارب کشورهای دیگر، سازمان بازرسی به "ترجمه اسناد و کتب مهم بین المللی در زمینه مبارزه با فساد" مبادرت کرده است.

چهارمین تحول با کاربری فناوری های نوین مرتبط است. در این زمینه، سازمان بازرسی کل کشور به تهیه "طرح جامع فناوری ارتباطات و اطلاعات" مبادرت و

"واحد فناوری اطلاعات" را تأسیس کرده است. همچنین به منظور "مکانیزه نمودن بخش ستادی سازمان"، "پیاده‌سازی زیرسیستم طرح جامع اداری، مالی و پشتیبانی در مرکز و ۳۰ نقطه استانی" هم در دستور کار قرار گرفته است. افزون بر اینها، سازمان بازرسی در سال‌های اخیر شاهد "طراحی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان" و "پیاده‌سازی وب سایت مرکزی و ۳۰ نقطه استانی" بوده است تا علاوه بر "ارایه خدمات دولت الکترونیک"، "اطلاع‌رسانی خبری" تسهیل شود و "بانک اطلاعات" ارزشمندی به وجود آید.

مجموعه دیگری از تحولات مقطع مورد بررسی را می‌توان شفاف‌سازی و آشکارسازی نامید. شاید به واسطه فرهنگ (سیاسی) ایران و ماهیت بازرسی و نظارت، همواره نوعی پنهان‌کاری بر فرایند بازرسی و نظارت حاکم بوده است. سازمان‌های متولی بازرسی و نظارت همواره کوشیده‌اند مراحل و جوانب مختلف بازرسی و نظارت پنهان و محرمانه بماند. ولی تشدید بحران حکومت قانون در چند سال گذشته، سازمان بازرسی را به اتخاذ موضع نسبتاً متفاوتی واداشته است. ویژگی اصلی این موضع، به اصطلاح "تعدیل نگاه محرمانه به عملکرد سازمان بازرسی" است. هدف از این اقدام درواقع "گسترش فرهنگ نظارت و بازرسی و توجه به نقش مهم اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی" بوده است.

برای انجام این مهم، سازمان بازرسی کل کشور تدابیر مختلفی اندیشیده است که به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌شود. مهم‌ترین اقدام برای آشکارسازی عملکرد سازمان بازرسی اقدام به برگزاری انواع جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها و شرکت در چنین جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی بوده است. در کنار برگزاری نمایشگاه، سازمان بازرسی در زمینه برگزاری "همایش" و "هم‌اندیشی" نیز فعال بوده است تا از این طریق بتواند کارنامه خود را در معرض بررسی و نقد افکار عمومی قرار دهد. از جمله این‌گونه اقدامات می‌توان به برگزاری "همایش نظارت

کارآمد"، "همایش تعامل سازمان با مدیران" با شعار "هم‌اندیشی، همکاری و پاسخگویی"، و "هم‌اندیشی مدیران سازمان" اشاره کرد.

از دیگر تلاش‌های سازمان "نهادینه کردن مشارکت مردمی و نظارت همگانی" است. به عبارتی، سازمان بازرسی می‌کوشد امکان‌هایی فراهم کند تا اعضای جامعه بخواهند و بتوانند دست کم به صورت انفرادی بر نحوه اعمال قدرت سیاسی نظارت کنند.

از این رهگذر، "به منظور دسترسی آسان مردم به سازمان"، "مرکز ۱۳۶ سازمان با امکانات مدرن و دیجیتالی" تأسیس شده است. این "مرکز" نه تنها به "فرهنگ سازی و تلاش در جهت توانمندی مردم برای اجرای نظارت همگانی در جامعه" مبادرت کرده است تا اعضای جامعه توان و انگیزه‌ای برای نظارت پیدا کنند، بلکه تدابیری اتخاذ کرده است تا افراد به آسانی بتوانند نتیجه نظارت خود را به طرق مختلف (تلفن یا مکتوب یا ایمیل) به سازمان بازرسی گزارش کنند. همچنین برای پی‌گیری گزارش‌ها نیز تسهیلاتی فراهم شده است.

علاوه بر ارتقای امکان نظارت اجتماعی، سازمان بازرسی کوشیده است تعاملات بین‌المللی خود را در سال‌های اخیر گسترش داده است. از این دیدگاه، سازمان بازرسی کل کشور تصور می‌کند که "با حضور مؤثر ... در اجلاس بین‌المللی و ارتباط با سازمان‌ها و مجامع مبارزه‌کننده با فساد در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی" می‌تواند "آخرین یافته‌ها و تجربیات کشورهای جهان و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در امر مبارزه با فساد" را منتقل کند.

همچنین تصور می‌شود که با گسترش تعاملات بین‌المللی این امکان فراهم شود که بتوان "تصویر صحیح و مناسب از فعالیت‌ها و تلاش‌های دستگاه‌های بازرسی

و نظارتی کشور" به سازمان های جهانی ارائه کرد. بنابراین در راستای دست یابی به این اهداف، سازمان بازرسی کل کشور در نشست ها و گردهمایی های مختلف شرکت کرده است که "اجلاس آمبودزمان آسیایی"، "مجمع جهانی مبارزه با فساد"، "اجلاس انجمن بین المللی مسئولین ضدفساد" و "اجلاس بین المللی مبارزه با فساد" از آن جمله است.

حال اگر این بازشناسی تاریخی می تواند گواهی باشد بر کارآمدی ناکافی یا ناکارآمدی نسبی نهاد بازرسی و نظارت در تضمین حاکمیت قانون، در مقام آسیب شناسی این پدیده چه می توان گفت؟ آیا این پژوهش تاریخی می تواند مبنایی برای یافتن پاسخی معتبر به این پرسش مهم باشد که چرا در ایران (معاصر) حاکمیت قانون با چنین دشواری ها و موانع پایداری رویارو بوده است؟ ریشه این دشواری ها و موانع کجا قرار دارد؟ در این رابطه، نهاد بازرسی و نظارت و دستگاه های متعلق به آن، به ویژه بازرسی کل کشور چه نقش و جایگاهی دارد؟ اگر تأسیس دولت (مدرن) را برجسته ترین شکل نهادینه شدن قدرت سیاسی، حاکمیت قانون را مهم ترین شاخص نهادینه شدن قدرت سیاسی و کارویژه اصلی نهاد بازرسی و نظارت را نهایتاً تضمین حکومت قانون بدانیم، باید گفت که توانایی دستگاه های متعلق به این نهاد در انجام این کارویژه به عوامل مختلفی بستگی دارد. این عوامل به سطوح و حوزه های مختلفی تعلق دارند و هر کدام به

^۱ آمبودزمان (ombudsman) که از ریشه اسکاندیناوی *umbudsman* گرفته شده، در اصل اداره ای است که به شکایت های شهروندان از دولت رسیدگی می کند و از حقوق شهروندانی دفاع می کند که تصور می کنند قربانی سوء مدیریت دولتمردان شده اند. نخستین آمبودزمان به سال ۱۸۰۹ در سوئد تأسیس شد و سپس مورد تقلید بسیاری کشورهای دیگر قرار گرفت.

نوعی این کارویژه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی عوامل به ساختار و ویژگی‌های خود نهاد بازرسی و نظارت و دستگاه‌های متعلق به آن، به ویژه سازمان بازرسی کل کشور، مربوط می‌شوند، برخی ریشه در سطوح به مراتب بالاتری مانند ساخت و ماهیت دیوانسالاری، حکومت و حتی دولت دارند، برخی هم به حوزه‌ها و سطوح فراگیرتر زندگی اجتماعی، مانند فرهنگ سیاسی، اقتصاد سیاسی و لایه‌بندی‌های اجتماعی متعلق هستند.

بی‌گمان پرداختن به نقش و جایگاه این گونه عوامل متعدد در حکومت قانون در توان و محدوده این پژوهش تاریخی نیست و مجالی دیگر می‌طلبد. در این قسمت از بحث صرفاً خواهیم کوشید به عواملی اشاره کنیم که از این پژوهش می‌توان استنباط کرد. به بیان دیگر، عواملی را بازشناسی می‌کنیم که لابلای اسناد و روایت‌های سازنده این گزارش تاریخی به چشم می‌خورد. البته یادآوری دوباره این نکته را لازم می‌دانم که این عوامل عمدتاً به ساختار و تشکیلات خود نهاد بازرسی و نظارت و سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارند و به همین دلیل برای این که نقش و اهمیت آنها را بهتر بفهمیم باید آنها را در سطح و بستر فراگیرتری قرار دهیم.

این گونه کلان‌نگری به ما امکان می‌دهد تا ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از عوامل خرد و کلان مؤثر در حکومت قانون به دست آوریم. شاید آزمون و خطاهای پی در پی در تاریخ نهاد بازرسی و نظارت نتیجه نبود چنین نگرشی بوده است. به واسطه آسیب‌شناسی‌های خردنگر، همواره اقداماتی برای بازسازی دستگاه‌های نهاد بازرسی و نظارت صورت گرفته است که پس از مدت نسبتاً کوتاهی بیهودگی آن‌ها آشکار شده است. این گونه اقدامات شاید به این دلیل دستگاهی مانند سازمان بازرسی را کارآمدتر نکرده است که بینش و یا اراده آسیب‌شناسی کلان-

تر وجود نداشته است. در چنین شرایطی ممکن است دقیق‌ترین بازرسی‌ها هم تأثیری در میزان پابندی به قانون نداشته باشد.

به هر حال و با توجه به لزوم اتخاذ نوعی آسیب شناسی کلان نگر، برپایه پژوهش حاضر می‌توان برخی عوامل مؤثر در کارکرد نهاد بازرسی و نظارت را بازشناسی کرد. هرچند این عوامل با یکدیگر مرتبطند و کل واحدی را تشکیل می‌دهند، به لحاظ تحلیلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی تفکیک کرد. شماری از این عوامل به چستی و چگونگی بازرسی مربوط می‌شوند؛ شماری در ارتباط با موضوع‌های بازرسی هستند؛ شمار دیگری هم به هویت بازرسان مربوط می‌شوند. در سطور پایین فهرست وار به این سه دسته عوامل خواهیم پرداخت.

الف) چستی و چگونگی یا ماهیت بازرسی: به نظر می‌رسد همواره نوعی ابهام در تعریف بازرسی وجود داشته است که به اشکال مختلف نمود می‌یابد. مهمترین نمود چنین ابهامی را می‌توان در ابهام و مناقشه بر سر وجود و میزان شأن قضایی بازرسی دید. این که سازمان بازرسی کل کشور به عنوان دستگاه اصلی بازرسی دارای شأن و صلاحیت قضایی هم است یا نه همواره محل مناقشه بوده است. بسته به تفسیرها و قرائت‌های مسلط، که خود تابعی از شرایط سیاسی کلان است، شأن و صلاحیت قضایی نهاد و سازمان بازرسی قبض و بسط پیدا کرده است.

نمود دیگر ابهام مورد نظر هم‌زیستی دو نوع کارویژه نسبتاً متمایز بوده است: کارویژه تضمین اعمال قانونمند قدرت اجرایی؛ کارویژه حمایت از شهروندان در برابر تخلفات اعمال‌کنندگان قدرت اجرایی. این دو کارویژه بی‌ارتباط نیستند ولی متمایز هستند. پژوهش تاریخی حاضر دلالت بر این دارد که نوعی ابهام در رابطه با این دو کارویژه وجود داشته است. آیا مثلاً سازمان بازرسی کل کشور درصدد احقاق حق شهروندان متضرر از تخلفات دستگاه‌های دولتی است یا صرفاً مسئول تعیین میزان (نا)پابندی اعمال‌کنندگان قدرت اجرایی به قانون.

معادل گرفتن بازرسی با آمبودزمان در ادبیات موجود هم تا حدودی از این ابهام ناشی می‌شود. فلسفه وجودی آمبودزمان پشتیبانی از شهروندان در برابر هرگونه سوء استفاده از قدرت اجرایی بوده است، درحالی که کارویژه اصلی بازرسی با تضمین حکومت قانون پیوند دارد، هرچند انجام این کارویژه متضمن حمایت از شهروندان در برابر دولت نیز است. نکته دیگر این که چنین ابهامی، اخیراً موجب مناقشه بر سر کارویژه بازرسی و نظارت شده است. این ادعای مناقشه‌آمیز مطرح شده است که کارویژه اصلی سازمان بازرسی نظارت است نه بازرسی.

ب) قلمرو یا موضوع‌های بازرسی: اگر هدف بازرسی نظارت بر "اجرای صحیح قوانین" باشد قاعدتاً هر نهاد و سازمانی که به نوعی در اعمال قدرت سیاسی دولت دخیل است می‌تواند موضوع بازرسی قرار گیرد، زیرا هر آنکه اعمال قدرت اجرایی می‌کند درواقع قانون را اجرا می‌کند و هیچ قید و تحدیدی در این رابطه وجود ندارد. ولی نهاد بازرسی و نظارت با محدودیت‌ها و مقاومت‌هایی مواجه بوده است. قلمرو بازرسی سازمان بازرسی عام است و هرگونه استثنا یا محدودیت در این رابطه مخل نهاده شدن دولت است و امکان سوء استفاده از قدرت اجرایی را فراهم می‌کند.

ج) هویت بازرس: علاوه بر مسائل مرتبط با چیستی و چگونگی بازرسی و موضوع‌های بازرسی، این که چه شخصیت حقوقی و حقیقی باید متولی انجام بازرسی باشد نیز کارآمدی دستگاه بازرسی در تضمین حاکمیت قانون را تحت تأثیر قرار داده است. در مقاطع مختلف، بیش از یک دستگاه متولی بازرسی بوده است و همین عامل کلیت بازرسی را به اشکال مختلف مختل کرده است، زیرا بخش قابل توجهی از منابع و امکانات صرف رقابت‌ها و مناقشات بی پایان می‌شده است. البته تلاش‌های مختلفی برای حل و تعدیل این ابهام و مشکلات ناشی از آن

صورت گرفته است ولی چندان کارساز نبوده است. برای حل بنیادین چنین مشکلی، نخست باید پاسخی موجه به این پرسش داده شود که نهاد و دستگاه بازرسی چه جایگاه در حکومت داشته باشد و نسبت آن با قوای سه گانه بازانديشي شود.

نکته مرتبط دیگر در این باره، ساختار متمرکز یا غیرمتمرکز سازمان بازرسی است. تا اواخر دهه ۱۳۶۰ ساختار سازمان بازرسی متمرکز بوده است. در این چارچوب، همه تصمیمات مرتبط با بازرسی در سازمان اتخاذ می شد و این تصمیمات با اعزام بازرسی یا هیأت های بازرسی انجام می شد. ولی در طول دو دهه اخیر تمرکززدایی گسترده ای صورت گرفته است که مصداق بارز آن تأسیس ادارات کل بازرسی در استان ها بوده است.

عوامل نامبرده که شمار آن ها را می توان افزایش داد، به اشکال مختلف در کارکرد و کارآیی نهاد بازرسی و سازمان بازرسی کل کشور مؤثر بوده اند. به عبارتی، هم کیفیت و کمیت بازرسی تحت تأثیر آن ها قرار می گیرند، هم نقش بازرسی در تضمین حاکمیت قانون. از آنجا که ارزش و اهمیت کارکرد نهاد بازرسی به کارآیی آن بستگی دارد، باید نقش این گونه عوامل را با توجه به هر دو وجه ارزیابی کرد. دقت، اعتبار و قلمرو بازرسی هر اندازه هم بیشتر باشد، اگر نقشی در ارتقای حکومت قانون نداشته باشد وجود آن را به دشواری می توان توجیه کرد و آن را به مثابه حرکتی مزاحم و کند کننده تلقی کرد.

ولی تناقض آمیزی موضوع در این است که کارکرد بازرسی به عوامل دیگر متعلق به سطوح کلان تر بستگی دارد. بی گمان در جامعه ای که بوروکراسی کارآمدی وجود ندارد و سازوکارهای نظارت دموکراتیک کم رنگ است، عریض و طویل ترین سازمان ها هم نمی توانند ضامن موفقی برای حکومت قانون باشند. باید امکان ها و سازوکارهایی وجود داشته باشد تا خود شهروندان یا همان انسان های

موضوع اعمال قدرت سیاسی هم بتوانند بر اعمال قدرت اجرایی نظارت کنند و اهرمی برای تضمین پابندی صاحبان قدرت سیاسی به قانون داشته باشند. همواره این احتمال وجود دارد که نهاد بازرسی درون دولت نتواند یا نخواهد کارویژه خود را (به درستی) انجام دهد.



مروری بر اسناد برگزیده



وزارت امور خارجه

اداره:

دائرة:

متحد السال

نوع (۱۱)

بتاریخ ۲۰ آذر ۱۳۰۸ ماه سنه ۱۳۰۸
نمره: ۱۵۸۱۹
۲۸۹۱

با ارسال و ابلاغ نظامنامه هیئت مفتیشیه مملکتی و وظیفه
مامورین دولتی مشتمل بر ۱۰ ماده است و بموجب هیئت محترم و ذرا صلح
رسیده و اراده سنیّه بندگان اعلی حضرت، مایون نامنای ابرو احنا فده
به اجراء آن جلا فیه گرفته است انشاء و تاکید لازم میشود تا موقع اعزام
منتشین مضمون، عبالته لازم است برای اطلاع از جریان امور و چگونگی
ادوال بیوسی نسبت بشکایت از رفتار مامورین و حالت روحیه اتباع مطاع
دستور نظامنامه مزبوره مرتباً و ابرقهای لازمه را بدینستید که امر
مطاع مبارک و منظور هیئت معظم دولت بموقع اجرا کاداده شود -
بدین است نسبت به حق ترمیب و اجرای این مقصود به
مامورین تابعه تعلیمات لازمه خواصید داد -

شماره ۱۷۲
تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۰۸
وزارت امور خارجه
دفتر ثبت و امضا

شماره ۵۱



وزارت امور خارجه

(نظامنامه هیئت تفتیشی مملکتی و وظیفه مأمورین دولتی)

اداره ... ماده اول - بر طبق مصمم هیئت دولت مبنی بنام هیئت تفتیشی مملکتی تشکیل می شود .
 سواد ... ماده دوم - هیئت تفتیشی تشکیل میشود از نمایندگان وزارتخانه ها و ادارات مشروطه ذیل که مرکب
 مورخه ... عده هیئت را از میان اشخاص صاحب اهل و سواد و متعهد شود که حتی الامکان از اعتناء عالی و عیب باشند
 بره ... پیشنهاد کرده و عده لازم از طرف هیئت دولت از میان آنها برای عضویت هیئت تفتیشی انتخاب میشوند .
 وزارت جنگ - اداره نظام و وظیفه - اداره امنیه
 وزارت عدلیه - اداره سبل اموال و احاطیه - اداره نظایه
 وزارت پست و تلگراف
 وزارت معارف
 وزارت معارف
 ماده سوم - مدت مأموریت اعضای هیئت تفتیشی مملکتی سال بسال تجدید شده و بر حسب فرمان امپراتوری
 باین جهت تعیین میشود و از بابت مستمزمزبور حقوق دریافت نخواهند داشت ولی در مواقع مأموریت به آنها
 خرج سفر و قیام الیاده مسافرت داده خواهد شد .
 ماده چهارم - موارد مأموریت متشکین هیئت تفتیشی مملکتی و تعیین عده مأمورین منوط به امر امپراتوری
 و یا مصمم هیئت دولت است .
 ماده پنجم - هیئت تفتیشی مملکتی در مدت ریاست یک نفر وزیر که از طرف هیئت دولت تعیین میشود اداره
 شده و دارای یک نفر نایب رئیس و دو نفر منشی از خود انتخاب میکند . هیئت تفتیشی خواهد بود .
 همچنین هیئت تفتیشی برای رسیدگی با اسناد و شکایات واصله که به هیئت مزبور ارجاع میشود دارای کمیسی
 مرکب از یک نفر نماینده از طرف هر یک از وزارتخانه ها و ادارات مذکوره در ماده (۲) خواهد بود .
 انتخاب اعضا - کمیسیون مزبور نیز از طرف هیئت وزراء بعمل خواهد آمد .
 کمیسیون مزبور با نوزده روز یکسریه باید معده خود و در مواقع قیام الیاده ممکن است جلسات قیام الیاده
 نیز داشته باشد .
 کمیسیون مکلف خواهد بود که راپرت راجع با اسناد و شکایات مربوطه را بر طبق هیئت تفتیشی بداند .
 ماده ششم - کلیه روسای ادارات دولتی که روسای مدارس و ولای نیز جزو آنها محسوب مکلفند که هر
 با نوزده روز یکسریه راپرت جامع اوضاع حوزه مأموریت خود را که حاکی از رفتار کلیه مأمورین دولتی نسبت
 بسرم و رفتار و بنا بر وجهی مردم و حوادث مهمه حوزه مأموریت خود شان باشد به رئیس خود بدهند .
 ماده هفتم - روسای ادارات مکلفند که راپرت های واصله از مأمورین خود را با نظریه خود نسبت به آن
 راپرت با بشنید و راپرت با نوزده روز خود برای روسای ادارات ارسال دارند و مراحل اداری بهمین ترتیب طی
 خواهد شد و روسای مراحل آخرین راپرت های حوزه مأموریت خود را بشنید و راپرت های موقومین خود مستقیماً
 برای وزیر متوجع خواهند رساند .
 کلیه مأمورین باید دفتر مراقبت کامل نمایند که راپرت های آنها مملکی از اظهار و نظریات
 شخصی و خصوصی میرا باشد و اگر نمایندگان راپرت های غیر آئین مورد مواخذه واقع خواهند شد .
 ماده هجتم - وزراء مکلف خواهند بود که راپرت های واصله را بدقت مطالعه کرده و آن قسمت از
 متون و ابیات آن را که راجع به اوضاع عمومی است و متضمن شکایاتی از مأمورین دولتی نیست خلاصه کرده
 و برای رسانیدن بمرکز مقامات مربوطه حاضر نمایند و آن قسمت از راپرت ها را که متضمن شکایات از

(نوع ۰۰)

شماره ۵۱
 تاریخ ۱۳۰۸/۰۴/۲۲
 وزارت امور خارجه
 اداره ثبت اسناد و املاک
 اداره ثبت اسناد و املاک
 اداره ثبت اسناد و املاک



وزارت امور خارجه

داره

سواد

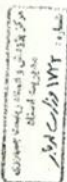
پورچه

تیره

از سوه رفتار نسبت به مردم و اعمال خلاف قاعده باشد بامیه مدارک واصله برای وزیری که ریاست هیئت تقنینیه مجلس را دارد بفرستند -

ماده نهم) - وزیر مزبور مکلف خواهد بود که رایورتهای مذکوره در ماده قبل را رسیدگی کرده و تصدیقات لازمه را نسبت به تعقیب مرتکبین اتخاذ نماید و در مواردیکه اجرای تقنین را لازم بداند مراتب را به هیئت دولت پیشنهاد خواهد کرد تا تصدیقات مقتضیه اتخاذ شود -

ماده دهم) - هر یک از مامورین دولتی مذکور در ماده (۶) و (۷) که از اجرای وظیفه اطلاع دادن از اوضاع حوزه ماموریت خود بدون عذر موجه دو مرتبه متوالی یا چهار مرتبه متناوب در عرض سال غفلت نماید از شغل خود منقصل خواهد گردید .





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تاریخ ۱۳۱۱ / ۷ / ۵
شماره ۸۱۴۴
پته ی ضبط

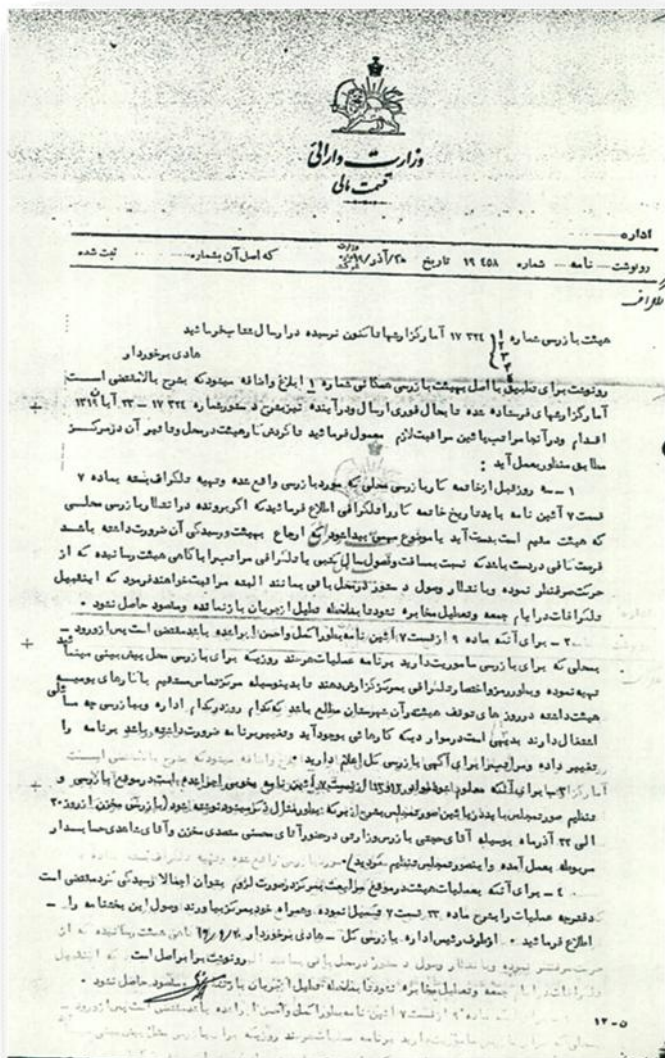
وزارت دربار پهلوی

تاریخ ۱۳۱۱ ماه تاریخ

حضرت مخم حضرت ارف کا روز دربار پهلوی است که ۸۳۰ لکیر در کار است
در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر
نمی خرد است که روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر
کردن بر دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر
و روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر
سبک شده در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر و روز در دلف خفا رسد لکیر

خ
ن

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تاریخ ۱۳۱۱ / ۷ / ۵
شماره ۸۱۴۴
پته ی ضبط





وزارت آموزش و پرورش

ن - ۱۱

تاریخ ۱۳۳۰

شماره ۳۳۰۴۴/۱

پیوست ۱/۴/۱۳۳۰



جناب آقای اخوی وزیر دادگستری و رئیس بازرسی کل کشور *

نظر باینکه يك بازرسی بيطرفانه و دقيق در گلبه امور اداری و مالی زمان تصدی دولت سابق در درجه اول اهمیت و لزوم میباشد . مقتضی است جنابعالی بر حسب وظیفه قانونی که دارید اشخاص مورد اعتماد و بیطرف و مطلع در امور اداری و مالی که صلاحیت قضائی نیز داشته باشند انتخاب و از هر وزارتخانه هم يك نفر مامور عالی رتبه که واجد شرایط فوق باشد بجلسنا بعالی معرفی مینمایند که با سه نفر نماینده مخصوص نخست وزیر هر چه زود تر امورات اداری و مالی و تخلفات قانونی با سوءاستفاده شائی اگوشده است مورد تحقیق و تعقیب قرار گیرد گلبه وزارتخانه ها و دستگاهها بموجب همین دستور موظفند اطلاعات لازمه را در اختیار جنابعالی قرار داده و برای پیشرفت سریع منظور فوق همکاری و کوشش نمایند . ضمناً از اقداماتی که میشود بمقتضای که محظوظر قانونی نداشته باشد روزانه بوسیله راننده و جراید با اطلاع مردم بپرسانید در صورت لزوم با ستانها و شهرستانها نیز همین شیئت باید نمایندگان خود را اعزام و اقدامات لازم بعمل آید .

از طرف نخست وزیر *



۱۱-۵
تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۳
شماره ۱۳۳۱
پیوست ۳

جناب آقای نخست وزیر

در ادامه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری را مستخدم قنات که در تاریخ ۱۴ اسفند ۳۳ بتصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و جهت اجرا به دولت و وزارت دادگستری ابلاغ گردیده مواد برای اداره کل بازرسی کشور که ریاست آن با وزیر دادگستری است مشروط گردیده و در صورت تصامم مواد پیوست به منظور استحضار شما رهائی ابلاغ میشود بطوریکه ملاحظه خواهند فرمود مواد ۷-۹-۱۱-۱۳-۱ آن بشرح ذیل است:

ماده ۷- به منظور استحضار دولت از اوضاع و احوال همیوم کشور و تأمین حسن جریان امور ادارات و دولتی و بازرسی نسبت بطرز رفتار مستخدمین و مأمورین دولتی اهم از کشوری و لشکری و قضائی و همچنین شهرداریها و نگاهبانیهای همیوم که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است و همچنین رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و دولتی و نگاهبانیها و دادگستری اداره این دوائر وزارت دادگستری بنسب اداره کل بازرسی کشور تحت ریاست وزیر دادگستری تشکیل میشود

ماده ۹- اداره کل بازرسی کشور مشتمل بر دو قسمت است

۱- قسمت رسیدگی به شکایات و گزارشها

۲- قسمت بازرسی دادگستریها و وزارتخانه ها و گنجینه ادارات دولتی اهم از کشوری و لشکری

ماده ۱۱- اداره کل بازرسی کشور بمنزله یکجمله مأمورین قضائی و اداری وزارت دادگستری و همچنین سایر ادارات اهم از کشوری و لشکری نمایندگی بازرسی به حد و در اینصورت نمایندگان مزبور طبق تعلیمات اداره کل بازرسی کشور باید انجام وظیفه نمایند

ماده ۱۳- طرز اجرای بازرسی و وظائف اداره کل بازرسی کشور بموجب آیین نامه ای خواهد بود که وزارت دادگستری تهیه و تصویب و ثبت و زیرن خواهد رسانید

و چون طبق ماده ۱۳ از ادامه فرق مأموریت تهیه آیین نامه که با این کمیسیون مطابقت داشته باشد و در صورت

مرکز پژوهش و اسناد و اسنادت چنانچه
مدیریت اسناد
شماره: ۱۷۵۵۴

فهرست اسناد
این فهرست اسناد
تاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۳
شماره ۱۳۳۱
پیوست ۳

نسخه
۱/۸



وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

بازرسی کل کشور

۱۱-۵

تاریخ ۱۳۳۰

شماره ۲

پیوست

و بموجب آن حدود و وظائف اداره کل بازرسی کشور و طرق اجرای بازرسی معین گردید و به موجب وزارت دادگستری، محول گردید و است برای اینکه ضمن عمل مرحله اجرای درستی که مربوط به واحد ها و دوایر تابعه وزارت جنگ است، در آئینه اشکالاتی پیش نیاید که انجام وظائف هیئت های بازرسی را در مرکز و ایالات و ولایات متعین نماید و هر مورد برای مراجعه و کسب دستور ادارات و واحدهای تابعه وزارت جنگ از مرکز دچار تاخیر ننماید وزارت دادگستری مقتضای مهیا شدن در تهیه آن قسمت از آیین نامه قبلاً جلب نظر و موافقت وزارت جنگ و ستاد ارتش را ننموده و مواد صریح و روشن که حدود مراجعات و دخالت های بازرسان و نمایندگان بازرسی کل کشور را در بازرسی قسمت های لشکرکوری سیدگی پشتیبان براساس ماده ۱۱-۷ لایحه قانونی فوق معاینه و مشخص نماید تصویب گردد تا ضمن تصویب آیین نامه از انحراف هیئت زبوان بموجب اجراء گذاشته شود بنابراین مستعدی است وزارت جنگ دستور فرمایند یک نفر نماینده که دارای اختیارات کامل باشد تعیین و معرفی فرمایند تا برای شرکت در کمیسیون که برای این منظور در اداره کل بازرسی کشور تشکیل خواهد شد دعوت نمود.

تاریخ تصویب هیئت وزیران
۱۷۵۵ ع

رئیس و زرد ادگستری رئیس بازرسی کل کشور

پشت دفتر هیئت وزیران
۱۳۳۰/۶/۱۷
۲۷۵۵

محل ثبت و امضاء



وزارت واکتبی

اداره بازرسی کل کشور

تاریخ: ۱۴۰۳ - ماه: ۳ - ۳۳

شماره: ۳۰۴۲ ب

پوست: ۶۲

۲۰۰۹۶

۷/۳

جناب آقای نخست وزیر

عطف به توبیه شماره ۱۶۸۷-۳۵/۲/۲۹ مبنی بر استعلام از وضع سازمان واگذاریات اداره کل

بازرسی کشور با استحضار خاطره عالی میسرانند.

بازرسی کل کشور در سال ۱۳۱۴ تشکیل و از همان تاریخ تحت ریاست وزیر دادگستری انجام وظیفه می نمایند و بموجب تائید سازمان دادگستری بموجب ۱۴ اسفند ۳۴ نیز که رونوشت آن جهت استحضار خاطر شریف ضمیمه میگردد حدود اختیارات آن تعیین گردیده و بموجب ماده ۱۳ همان قانون وزارت دادگستری اجازه داده شده که آئین نامه برای تعیین وظائف بازرسی کل کشور تهیه نمود و بموجب هیئت وزیران برسانند و این آئین نامه در سال ۱۳۳۴ تهیه و بموجب هیئت وزیران گذشت است و چون اصل آن در دفتر نخست وزیری است از لحاظ عالی خواهد گذشت و بموجب تصویب نامه دیگر هیئت وزیران بازرسی نخست وزیری نیز متحمل و تکالیف آن به عهده اداره کل بازرسی کشور محول و حتی کلیه پرونده های آن و همچنین شکایاتی که بعد از مقام نخست وزیری میشد از طریق اداره کل عرایض و تفرکات نخست وزیری با اداره مزبور ارجاع گردیده و علاوه بر آن کمیسیونهای عرایض مجلسین سنا و شورای ملی کلیه شکایات رسیده را با وجود تکالیف سنگینی که شرح داده شد با اداره کل بازرسی کشور ارجاع و در این اداره مورد رسیدگی قرار گرفته و نتیجه آن بحکم تانع کننده باشد با تسلیم کمیسیونهای مربوطه مجامعین میرسد معذالک برای پیشرفت کار اداره مذکور کمک های لازم بعمل نیامده و حتی از اعتبارات مالی و کارمندان دفتری مشغله ۱۲ دستگاه مائینی که در اختیار بازرسی نخست وزیری بوده و پس از انحلال و ارجاع کلیه امور آن با اداره کل بازرسی کشور معینان حد اقل نیم در اختیار اداره اخیر قرار داده نشده و بنابراین کلی نامه شماره ۱۰۲۲/ب- ۳۴/۲/۱۰ از آن مقام محترم تقاضا گردیده که قسمتی از اعتبارات و وسائل مذکوره در اختیار بازرسی کل کشور قرار داده شود.

مستفاده کلی نامه شماره ۱۲۴۱۲-۳۴/۲/۱۰ عدم موافقت با تقاضای مزبور ابلاغ گردید معذالک اداره کل بازرسی کشور با تکالیف زیاد و متکین خود و مانند داشتن وسائل کار که حتی یک دستگاه دوچرخه بساری رساندن نامه های فوری و فوری را نیز فاقد است فعالیت خود را از دست نداده و کلیه ارتباطات را بحسب

مستند
۱۴۰۳/۳



وزارت کشاورزی

اداره

۲۰۰۹۶

تاریخ: ماه ۱۳۳۰

شماره: ۲

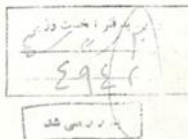
پیوست:

احسن و در حدود مقدور امکانات انجام داده است

از جمله تا اواسط سال گذشته از طرف اداره کل بازرسی کشور هیئت هائی بمنظور بازرسی عمومی وارسیدگی
بموارد مخصوصی که غالباً از مقام نخست وزیری و یا دفتر مخصوص شاهنشاهی ارجاع گردیده و بهرستانها
اهزام و توفیق الحاد و روزنامهین هیئت ها باستناد تسبیح نامه شماره ۸۰۸-۱۶۰۲/۲۴ بمادخ روزی
پانصد ریال که تفاوت آن از محل اعتبار دولت تامین شده بود تصدیق گردیده و لیکن پرداخت تقصیرات
توفیق الحاد و اعضای هیئت های مذکور بعلت اتمام اعتبار دولت دچار تاخیر و اشکال شده و هم اکنون عدم ای
از نمایندگان وزارتخانه های دیگر از لشکری و کشوری همه روزه برای دریافت مطالبات خود مراجع
و جدا تعیین تکلیف آنرا از وزارت دادگستری نتوانستیم بمانند و به همین لحاظ اهزام هیئت های بازرسی
یا بازرسان افرادای بهرستانها مقدور نگردیده است این نکته را نیز علاوه می نماید در مواردیکه ضرورت
ایجاب میکند که فوراً هیئت بیکی از بهرستانها روانه گردد نمایندگان وزارتخانه های دیگر حاضر پیشتر
ماموریت با توفیق الحاد و معمولی روزانه نمیشوند *

بنابر این اداره کل بازرسی کشور ب تکالیف و وظائف خود بنحویکه در قانون و آئین نامه تصریح شده باقیست
و مسائل کار وقت را امکان عمل نموده و در مورد ارجاعات نخست وزیری هم نتایج رسیدگی را با ارسال روزنامه
گزارشها باستحضار خاطراتالی رسانیده است و سابق این امور را ریشو ادارات کل غرایب و دفتر کسب
نخست وزیر موجود است و متنی است در صورت اقتضا مقرر نمائند از لحاظ عالی بگذرانند و برای منبند
استحضار آماضیات یکساله ۱۳۳۴ اداره کل بازرسی کشور پیوست ایفاد میشود تا از حجم کارهای اداره
مذکور استحضار حاصل فرمائند با اینحال و با ذکر مقامات معروضه تصور نمیرود از نظر طواهر کار موجب
برای اظهار عدم رضایت آن مقام محترم فراهم باشند در صورتیکه موضوع خاص مورد توجه قرار گرفته باشند
مقرر فرمائید باطلاع برسانند تا رسیدگی شود و نتیجه بعرض برسد *

وزیر دادگستری رئیس بازرسی کل کشور



جناب آقای نخست وزیر:

۲۰۹۱
۳۸/۵/۱۱
فصل ۳
ماده ۱

۱۳۶۸

حسب الامر و مطاع مبارک ملوکانه عین روشیشت

گزارش بازرسان سازمان بازرسی شاهنشاهی که درباره شهر

تبریز تهیه و تقدیم گردیده است لذا ارسال میگردد و قدغن

فرماید بنده رجاء آن ترسیع و وزارتخانه های مربوطه اوامر

لایم صادر فرموده و نتیجه اقدامات راجع به عرض بمحضتگاه

مبارک همایونی اعلام دارند. - - - - -

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

وزارت و امور
معاونین
شماره: ۲۹۹۷۸

ورود به دفتر نخست وزیر
تاریخ ۱۳۳۸/۵/۱۲
شماره ۹۸۲۲

۱۱/۵/۳۸

۳۸/۵/۱۱



نخست وزیر

تاریخ ۱۲/۷ ماه ۱۳۳۸

نمارة

بوست

مرکز پژوهش و اسناد ریاست بهادرش
معاونت اسناد
شماره: ۴۱۸۴

بازرسی کل نخست وزیر

نهرست گزارشهای قابل توجه اینجانب که در ظرف سال ۱۳۳۷ و شش ماهه اول سال ۱۳۳۸ تقدیم

گردید به شرح زیر ماست خشار میرسد.

۱- گزارش ماموریت بازرسی در کمانداها و اشرافه و نسبت به لزوم کار و عمل به حدی از روی ساید ارات و ولایت و مامورین آن حوزه و نیازمند به ادا ارات.

۲- گزارش مشترک آقای احمدی معاون بازرسی کل نخست وزیر و پروا اینجانب در ماموریت اسقفیان موضوع رسیدگی به کار کپیسیون حج و نحوه عمل مامورین.

۳- گزارش ماموریت اینجانب و آقای روحانی زاده در کردستان با تعلق نمایندگان شرکت ملی نفت موضوع اقدام به تاسیس فروشندگی و کارگزاری و شعبه فروش مواد نفتی در منطقه کردستان.

۴- اشرافه و لزوم مورد علل و جهات لزوم انحلال شرکت سهامی سابق چای گیلان.

۵- گزارش ماموریت بازرسی دارای آبادان و اشرافه و نسبت به سازمان و تغییر و تبدیلی و ساید ارای شهرستان آبادان.

۶- اشرافه و لزوم مورد بعضی از اراضی خالصه خوزستان.

۷- اشرافه و لزوم مورد لزوم بازرسی عموم در رستگاری دارای تهران.

۸- اشرافه و لزوم مورد لزوم بازرسی در ساختمانهای خانیا و توشه و لوازم کارخانه.

۹- اشرافه و لزوم مورد تجدید نظر ارای کپیسیون بهایا تسی.

۱۰- اشرافه و لزوم مورد لزوم بازرسی از ناحیه بازرسی اثر کشور و کارخانه شیر با سوز و شرکت سهامی دولتی مسکن سازمان رنامه.

۱۱- اشرافه و لزوم مورد لزوم بازرسی و تبدیلی و ساید ارای سازمان ساز کارخانه دولت.

بازرسی و تصدیق وزیر به معاونت

۲۰۳

۸



نخست وزیر

پنج شنبه ۱۳۳۱/۵/۲۴

مارم ۱۵۵۷

۲۹
۱۵
۵

بازرسی کل نخست وزیری

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۳۱/۵/۲۴ در اجرای نظارت عالی به نخست وزیر بر سازمانهای کشور وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل نخست وزیر را که بمنظور استحکام نخست وزیر از اوضاع و احوال عمومی کشور و تأمین حسن جریان امور در کلیه وزارتخانه ها و رسیدگی بطرز رفتار و انجام وظیفه مأمورین دولت و شکایات و گزارشهای رسیده بررسی اوضاع عمومی جمهوریستانها از حیث تشخیص حوارج و ضروریات زندگی اهالی و همچنین سعی در رفع اختلافات حاصله بین سازمانهای دولتی و رهنماییهای قانونی بشرح زیر تصویب مینماید:

ماده ۱ - بازرسان نخست وزیر که بمقداد مورد احتیاج ازین مأمورین عالیترتبه و مطلع و مورد اعتماد نخست وزیر و سایر وزارتخانه ها انتخاب میشوند موظف هستند امور مرجوعه را با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور در اسرع وقت رسیدگی یا بررسی نموده نتیجه را با اظهار نظر صریح گزارش دهند.

ماده ۲ - بازرسان نخست وزیر جز در مواردیکه موضوع مستلزم رسیدگی قضائی است برای رسیدگی بامور مرجوعه حق مراجعه بکلیه سازمانهای دولتی و نهادهای عمومی را ندارند و مسئولین امر موظف هستند بعضی مراجعه بازرسان سابق مورد احتیاج را در اختیار آنان بگذارند. برای انجام مأموریت تشویک مساعی نموده هرگونه اطلاعات و توضیحاتی که ضروری باشد بدهند.

ماده ۳ - تشکیلات بازرسی کل نخست وزیر و طرز اجرای بازرسی و الزامات بازرسان بموجب آئیننامه جدید آنگاه تعیین و پس از تصویب مقام نخست وزیری بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

تصمیمات در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر - امضا

مركز پژوهشی و اسناد ریاست جمهوری
مدیریت اسناد
شماره: ۵۸۶۷۴



نخست وزیر

تاریخ ۱۳۴۰

شماره ۱۰۹۱/۱

پیوست

معمول

شماره ۳۳۴

تجسار سپیده یزدان پناه رئیس بازرس شاهنشاهی

میرنده و ها و اطلاعاتی که در مورد سوء جریانات و تخطلات و ستا ههای دولتی
جمع آوری و ارسال فرموده به بدایت واصل برای تحقیق به مراجع صلاحیتدار فرستاده
شد.

ضمناً لازم میدانم از بذل چندی که جنابعالی و همکارانتان برای کشف و تحقیق
کسانی که بیت المال مسلمین و خزانه کشور را مورد حیف و میل قرار داده اند به عمل
آورده مایند صمیمانه تشکر کنم و اضافه نمایم در راه دشواری که دولت برای مبارزه با فساد
در پیش گرفته است مساعدت و تشویق مساعی افراد صالحی مانند جنابعالی شرط
اصلی موفقیت بشمار میرود و امید دارم برای تکمیل اقداماتی که تا کنون بعمل آمده
و ستودنی میباشد بنظر کشف تخطلات سایر عناصر رذیل و سرک و لرد آنها از ستا ههای
دولت تحت یقات معموله امانتداران داده و نتایج حاصله را هر چه زودتر باینجا بارسال
اطلاع دهم.

نخست وزیر - دکتر علی امینی

۶۰۱۴۱۲

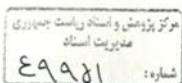
تاریخ ماه ۱۳۴۰

شماره

پیوست



- ۲ -



اداره

دایره

برای مفید استحضارشن ماده ۷ قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و ماد ماول آیین نامه که به تصویب هیئت وزیران رسیده است ذیلا نقل میگردد :

ماده ۷- منظور استحضار و است از اوضاع و احوال عمومی کشور و تامین حسن جریان امور ادارات و دولتی و اقتصادی و بازرسی نسبت به نظارت و رفتار مستخدمین و مامورین و اشیای اعم از کسری و لکری و خدماتی و همچنین شهرها و روستاها و عمومی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق بدولت است و همچنین رسیدگی به شکایات مردم از ادارات دولتی و ابرو و لکری و شکایات و ادانگشتر بها اداره ای و وزارت دادگستری بنام اداره کل بازرسی کشور تحت ریاست وزیر دادگستری تشکیل میشوند .

ماده ۸- آیین نامه

بررسی اوضاع عمومی و اجتماعی اعم از آنچه که مربوط به تمام کشور و بیا یک منطقه و یک استان و شهرستان باشد از قبیل روحیه عمومی و آداب و اخلاق - طرز زندگی و امور اجتماعی - کشاورزی - محصولات - فرهنگ - بهداشت - ارتباطات و راهها - امر قضائی - امور اجتماعی و مباحثات عمومی مانند خواربار و آب و برق و غیره .

از ملاحظه مفاذ مقرر است مذکور توجه خواهند نمود که بای بررسی درباره اینگونه موضوعات همکاری صاحب نظران و مطلعین بامور اجتماعی با اداره بازرسی کل کشور تاجه اندازه مینویسند و موثر خواهد بود بدین است شرکت اشخاص مزبور در شورای عالی محدود و مشاوره خواهد بود که یک مسئله اجتماعی از نظر اشی مورد بررسی واقع میشود و در سایر موارد که موضوع مورد رسیدگی جنبه اداره و بازرسی داشته باشد مخالفت و اخذ تصمیم درباره آن قانونیست با مراجع دولتی و مسئولان مربوط خواهد بود .

ایشان با صدف توجه عالی به نظریه سمینار و جهات کفوق با استحضار عالی رسیده است در صورتیکه تصویب فرمایند نسبت به تشکیل شورای عالی و تدابیر نامه کار آن اقدام لازم بعمل آید و ترتیب تشکیل جلسات آن داده شود .

وزیر دادگستری و رئیس بازرسی کل کشور

امین

۱۳۴۰/۴/۶



نستوری

تاریخ ۱۳۰۳/۴/۲۷

شماره ۴۱۴۸

پوست

۳۰۰۱

فرمان همایونی دایره اجرای قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی و قانون مزبور که بتصویب مجلسین سنای شورای ملی رسیده ذیلا ابلاغ میگردد :

پادشاهیت خداوند متعال

محمد رضا پهلوی آریامهر شاهنشاهی ایران

محل صحن مبارک همایونی

نظریات بیست و هفتم مضمون قانون اساسی مقرریداریم .

ماده اول (قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی که بتصویب مجلسین سنای شورای ملی رسیده و پیوست این دستور است به موقع اجرا گذارند)

ماده دوم (هیئت دولتمامور اجرای این قانون هستند . بتاريخ هفتم خرداد ماه ۱۳۴۷)

شماره ۱۶۴۵ مورخ ۱۳۴۷/۳/۱ دفتر مخصوص شاهنشاهی

((قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی))

ماده اول (به پیشنهاد رسیدگی به مشکلات مردم از کارکنان وزارتخانه ها و موسسات دولتی و سازمانهای انتظامی ، وزارتخانه ریاست بدولت و سازمانهای انتظامی (شهرهای کل کشور و استانداری کل کشور) و شعبات آنها در هر یک از استانها ، بدین شرح : بدو موسسات عام المنفعه و کلیه سازمانهای که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق بدولت است یا بدولت بتحریر از آنها میراث انتظار مینمایند سازمانی بتنام سازمان شاهنشاهی نظارت داشته شاهنشاهی تشکیل میشود .

نظارت وزیر معنوی ، در سازمان بازرسی شاهنشاهی در مجلسین است .
تبصره : در ارتش شاهنشاهی مشعل نظارت بر امور خود خواهند نمود .

ماده دوم (رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی با اعلان همایونی تعیین میشود .



نخست وزیر
تصویب نامیه در ایران

تاریخ

شماره

۱/۳۹

سازمان بازرسی شایسته‌ها

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳/۱۱/۴۸ بهایه پیشنهاد شماره
۱۰۳/۱/۵۳۵۷ مورخ ۱۰/۱۰/۴۸ سازمان بازرسی شایسته‌ها
آیین نامه تشکلات و وظائف قسمتهای مختلف سازمان بازرسی
شایسته‌ها را به شرح شماره تصویب نمودند / و
اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است * وزیر مشاور

محمود گشایان

۳۸۲۳۲

۱۳/۱۱/۴۸

وزیر مشاور

محمود گشایان

وزیر مشاور
اداره نخستین

نمایه سازمان بازرسی شایسته‌ها
تصویب نامیه در ایران
به تاریخ ۱۳/۱۱/۴۸

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری
مدیریت اسناد

شماره: ۶۱۰۹۲

فرد





نخست وزیر

صورت جلسه هیئت وزیران

شماره ۶۹۳۶

تاریخ ۵۴/۱۲/۱۲

موزون و اسناد و اسناد و اسناد
موزون و اسناد و اسناد و اسناد
شماره ۵۹۹۷

یختنامه به کلیه وزارتخانه ها و موسسات و سازمانهای وابسته به دولت

قسمتی از صورت جلسه و تصمیم متخذه در جلسه مورخ یازده بهمن ماه ۱۳۵۲ هیئت وزیران بشرح زیر
برای اطلاع و اقدام ابلاغ میشود:

نامه شماره ۶۷-۲۰۰ م/ مورخ ۵۲/۱۱/۶ دفتر مخصوص شاهنشاهی متضمن ابلاغ اوامر مطاع مبارک
ملوکانه درباره مبارزه با فساد در وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات دولتی قرائت و ابلاغ شد. آقای نخست وزیر
اطهار داشتند بفرمان ملوکانه اعضای هیئت عالی رسیدگی در اجرای قانون رسیدگی به اعمال خلاف حیثیت
و شئون شغلی و اداری کارکنان دولت و شهر دارها تعیین و امروز نخستین جلسه هیئت رسیدگی در دفتر انجمن
تشکیل شد و ششمین آئین نامه اجرای قانون «نظریه» و تأیید شد و اینک برای تصویب هیئت وزیران مطرح میشود.

فرمایشات ملوکانه در روز ششم بهمن در استاد بیوم یکصد هزار نفری آریا میر به همه وزارتخانه ها و سازمانها
و موسسات دولتی ابلاغ میشود. همراه ابلاغ فرمایشات ملوکانه فرم مخصوص ارسال میشود که بموجب آن
وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات دولتی مکلفند فهرستی از کسانی را که از اول فروردین ۱۳۵۴ در وزارتخانه یا
سازمانهای تابعه خود توبیخ کرده اند یا بعزلت نادرستی تسلیم دادگاه های اداری و یا دادگستری شده اند طبق
فرم و نمونه مخصوص تهیه و ظرف ۱۵ روز به نخست وزیر ارسال نمایند که بشرط عرض مبارک ملوکانه برسد.

فرم دیگری تهیه و ارسال خواهد شد که بموجب آن وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات دولتی موظف
خواهند بود اعلام کنند درجه مواردی اطلاعاتی در مورد نادرستی در وزارتخانه یا سازمانهای تابعه عیب و
داشته اند و اقدامی در مورد آن نکرده اند و یا اقدام کرده اند و بعداً مرتکب رایع کار دیگر منصوب نموده اند.

بدیهی است اگر اطلاعات نادرستی در این فرم ها درج شود وزیر مربوط شخصاً مسئول خواهد بود و مراتب
در هیئت عالی رسیدگی مطرح خواهد شد.

همچنین هر یک از وزیران مسئول هستند که اگر توصیه و سفارش و اعمال نمودی در جهت تحقق نادرستی
در وزارتخانه یا انجام میگردد فوراً مراتب را به نخست وزیر گزارش نمایند. مقامات رده ای دیگر نیز موظفند در
این قبیل مواقع مراتب را فوراً به وزیر خود گزارش دهند. هرگونه قصور در اعلام این موارد نیز بر حسب مورد به
هیئت عالی رسیدگی و هیئت رسیدگی و کمیسیون های رسیدگی ارسال خواهد شد.

مجدداً تکرار میکنم که در اجرای قانون رسیدگی به اعمال خلاف حیثیت و شئون شغلی و اداری کارکنان

دولت و شهرداریها برای رسیدگی به تخلفات وزیران، معاونان نخست وزیر، سفرا، استانداران، معاونان
وزرا، شهرداریها، پست و رو، و مدیران شرکت ها و موسسات درجه یک دولتی و وابسته به دولت، هیئت عالی
رسیدگی به فرمان ملکانه امروز تشکیل شد.

برای رسیدگی به تخلفات مدیران کل، رو، و مدیران شرکتها و موسسات درجه دو دولتی با و ابسته
به دولت هیئت رسیدگی دیگری به پیشنهاد نخست وزیر و فرمان ملکانه تشکیل خواهد شد.

برای رسیدگی به تخلفات سایر کارمندان دولت و شرکتها و موسسات دولتی و شهرداریان و کارمندان
شهرداریها و موسسات تابعه و وابسته با آنها در هر وزارتخانه طبق آئین نامه اجرائی قانون یک کمسیون ۵ نفری
به پیشنهاد وزیر و تصویب نخست وزیر تشکیل میشود که باید هر چه زودتر این مقامات نسبت به ارسال صورت اسامی
مورد پیشنهاد به نخست وزیری و تشکیل کمسیون وزیر اقدام نمایند. بدیهی است نیروهای مسلح شاهنشاهی
تابع مقررات خود میباشد.

آقای وزیر دادگستری توضیحاتی درباره آئین نامه رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت و سازمانها و موسسات
دولتی با استمدار هیئت وزیران رساندند. آنگاه متن آئین نامه اجرائی قانون رسیدگی به افعال خلاف حیثیت و
شئون عظمی و اداری کارکنان دولت و شهرداریها قرائت و تصویب شد. س



وزیر مشاور و معاون اجرائی نخست وزیر

هادی دایمی

۵۱۸۱۸

۹۹۸۲۲
۱۳۵۷-۹-۷



نخست وزیر

جناب آقای رئیس مجلس سنا

چون تا همین اذتظار عمومی از سازمان قضائی دادگستری درگشای و تعقیب جرائم و خطاهای اداری و نقض حقوق مردم در وزارت خانه ها و موسسات دولتی و در نتیجه جلوگیری از بروز توسعه فساد در دستگاه های دولتی مستلزم تشکیل یک سازمان بازرسی در وزارت دادگستری است و با تأسیس سازمان مذکور به سازمان بازرسی شاهنشاهی نیاز نخواهد بود بلکه این سازمان به تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و انحلال سازمان بازرسی شاهنشاهی به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد.

وزیر دادگستری

مؤتمر پژوهشی و اسناد ریاست جمهوری
مدیریت اسناد
شماره: ۶۰۴۹۷

آدرس: تهران

خیابان طالقانی- تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی

سازمان بازرسی کل کشور- طبقه ششم

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و

مبارزه با فساد

تلفن: ۶۱۳۶۲۳۰۷

E-mail: bazrasi.research@136.ir

www.Bazresi.ir